

مدل هاگت و تحلیل منازعات منطقه‌ای (مطالعه موردی: جنگ ایران و عراق)

سیدشمس الدین صادقی (استادیار علوم سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران)

sh.sadeghi1971@gmail.com

زینب شریفی (کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران)

zeynab.sharify@gmail.com

سمیرا مرادی (کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران)

moradi.sami1369@gmail.com

حمیدرضا حشمتی جدید (کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران)

چکیده

علل و عوامل، ریشه‌ها و تداوم منازعات میان دولت‌ها و پیامدهای ناشی از آن، از جایگاه مهمی در نظریه‌های ژئوپلیتیک برخوردار است. از این رو، نظریه‌پردازان ژئوپلیتیک به شیوه‌های مختلف سعی کرده‌اند برای تقلیل و پیشگیری از منازعات میان دولت‌ها با طرح نظریه‌ها و مدل‌های مختلف به تبیین و تحلیل این مهم بپردازند. یکی از نظریه‌های مطرح در میان نظریات ژئوپلیتیک، «مدل‌های پوتیتکای پیتر هاگت» است که مبنای پژوهش حاضر است. منازعات ابعاد و سطوح مختلفی دارد که یکی از آن، منازعات در سطح منطقه‌ای است. بر این اساس تحلیل منازعات منطقه‌ای، به ویژه منازعات میان دولت‌ها در منطقه حساس و استراتژیک غرب آسیا، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یکی از منازعات مهمی که در این منطقه رخ داد جنگ ایران و عراق است که هشت سال به طول انجامید. بنابر این در پژوهش حاضر سعی می‌شود با استفاده از مدل ذکر شده به این سوال پاسخ داده شود که تا چه میزان منابع جغرافیایی منازعات منطقه‌ای در میان دو کشور ایران و عراق، با عوامل دوازده گانه مدل‌های پوتیتکای هاگت قابل تطبیق می‌باشد؟ این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است و یافته‌های تحقیق ضمن توضیح مؤلفه‌های مدل‌های پوتیتکای پیتر هاگت در درک مسئله این پژوهش، تاییدگر این فرضیه است که از دوازده عاملی که هاگت به عنوان منابع جغرافیایی تنش‌زا نام می‌برد، هفت مورد از آن به وضوح در روابط دو کشور ایران و عراق مشاهده می‌شود و در بروز جنگ میان آن‌ها، نقش داشته است.

واژگان کلیدی: مدل‌های پوتیتکای هاگت، منازعات منطقه‌ای، ژئوپلیتیک، جنگ، ایران، عراق.

جغرافیا همواره نقش مهمی در امور بشر داشته است. به هویت^۱، سرشت^۲ و تاریخ حکومت‌های ملی شکل بخشیده، به توسعه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن‌ها یاری رسانده یا مانع آن شده و نقش مهمی در مناسبات بین‌المللی آن‌ها بازی کرده است. ژئوپلیتیک به مطالعه‌ی تأثیر عوامل جغرافیایی (چون موقعیت نحوه‌ی تنظیم منابع طبیعی و انسانی) بر مناسبات جهانی و بین‌المللی می‌پردازد. می‌توان ژئوپلیتیک را قرارگیری قواعد سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی بر واقعیات جغرافیایی دانست. ژئوپلیتیک دانش رقابت و گسترش حوزه‌ی نفوذ حکومت‌ها و گروه‌های سیاسی است که در صدد کسب قدرت و امکان چیرگی بر رقیب را می‌دهد. آن‌ها برای تصرف فرصت‌ها و مقدرات، در مکان و فضای جغرافیایی به رقابت پرداخته و سعی می‌کنند نفوذ خود را در فضاهاى جغرافیایی بیشتر توسعه دهند و آنها را به قلمرو اعمال خود بیفزایند و برعکس، رقبا را از فضاهاى مورد منازعه برانند. ژئوپلیتیک به دنبال کشف واقعیات است که چگونه موقعیت مکانی، اقلیم، منابع طبیعی، جمعیت و تکه زمینی که یک کشور بر روی آن قرار گرفته است، گزینه‌های سیاست خارجی حکومت و جایگاه آنرا در سلسله مراتب انتخاب‌های یک حکومت تعیین می‌کند (حافظ نیا و دیگران، ۱۳۹۱: ۲).

تاریخ به خوبی شاهد و بیانگر این مطلب است که کشورهای قدرتمند، سلطه‌گر و توسعه طلب، چشم طمع به کشورهای برخوردار از موقعیت اقتصادی، سیاسی، جغرافیایی و دارای ذخایر سرشار منابع طبیعی و معدنی داشته و با حربه‌های گوناگون، برای تسلط کامل بر کشورهای متعدد، تلاش نموده‌اند. بر همین اساس همواره مناطقی که از نظر موقعیت ممتاز اقتصادی، سیاسی و جغرافیایی برخوردار بوده‌اند، مورد هجوم دولت‌های استعمارگر و توسعه طلب قرار گرفته و حتی رقابت بین دولت‌های فوق برای تسلط بر مناطق و غارت منابع، حوادث و جنگ‌های متعددی را موجب شده است به طوری که تصادم منافع کشورهای بزرگ و قدرتمند و ادامه جنگ‌های اقتصادی، منجر به جنگ اول و دوم جهانی گردیده است (رضوانی، ۱۳۸۷: ۲۱۳). موقعیت جغرافیایی ایران، همراه با آبادانی و پیشرفت کشور همواره برای ایران آسیب‌ها و رنج‌ها به بار آورده است. همسایگان ایران عموماً نظر تجاوزکارانه به این سرزمین داشتند و تاریخ دراز ایران گواه این است که مردم این سرزمین عموماً به جنگ با همسایگان اشتغال داشتند و کمتر دوره‌ای از صلح و آرامش برخوردار بودند. مردم ایران بیشترین تعداد جنگ‌ها را در میان همسایگان، چه در دوران پس از اسلام و چه بعد از آن، با همسایگان غربی خود داشتند (پارسا دوست، ۱۳۸۵: ۱۱).

جایگاه ژئوپلیتیکی عراق عاملی موثر در ایفای نقش منطقه‌ای این کشور بوده و در جهت گیری‌های سیاست خارجی آن تأثیر گذاشته است. بدون شک یکی از دلایل تغییر و تحولات سریع در روابط خارجی عراق و تلاش برای ایفای نقش بازیگری تعیین کننده و قدرتی منطقه‌ای طی دهه‌های اخیر، همین بسترهای ژئوپلیتیکی بوده است که وضعیت منحصر به فردی به وجود آورده و طی سه دهه‌ی اخیر موجب تحولاتی در سطح منطقه‌ی عراق شده و در نهایت تغییرات ژئوپلیتیک قابل توجهی در این کشور رقم زده است (اکبری، ۱۳۹۱: ۲۰).

^۱ Identity

^۲ Temperament

جنگ ایران و عراق از شدیدترین منازعات پس از جنگ جهانی دوم به شمار می‌آید که تأثیرات عمده‌ای بر منطقه‌ی خاورمیانه، منازعه اعراب و اسرائیل، شاهراه نفتی غرب و دیگر منافع ابر قدرت‌ها گذاشته است. این جنگ همچنین در عصر افول ابرقدرت‌ها، ظهور قدرت‌های منطقه‌ای و تحولات انقلابی به مثابه یک الگوی منازعه محسوب می‌شود و اهمیت نظری بسیاری داشته است (لوی و فروئیچ، ۱۳۹۰: ۱). جنگ ایران و عراق که طولانی‌ترین جنگ متعارف در میان کشورهای در حال توسعه در قرن حاضر به شمار می‌رود در یکی از مهمترین مناطق استراتژیک دنیا اتفاق افتاد. منطقه‌ای که به ویژه به دلیل وجود ذخایر بی‌شمار نفت همواره مورد توجه جهان صنعتی بوده است. بنابراین، این کشور همانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه، به دلیل وجود مواد خام، به حال خود واگذار نشده و تحولات سیاسی- نظامی آن مورد توجه مجامع جهانی قرار گرفته است (فرج‌اللهی، ۱۳۸۶: ۱۱۵).

اگر جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران را تنها در حوزه "تعارض بین کشوری" بررسی کنیم به این جمع بندی می‌رسیم که ریشه‌های مربوط به جنگ تحمیلی در تعارضات و منازعات ریشه دارتری قرار دارد که دست کم ۱۶۰ سال پیش از شکل گیری اقدامات جنگی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران به وجود آمده بود. کشمکش‌های پیشین در تعاملات ایران و عراق ناشی از انتظارات ژئوپلیتیکی و نیازهای روانی می‌شد که شخصیت اقتدارگرای صدام حسین نیز روند یاد شده را تسهیل می‌نمود (رضائی، ۱۳۸۶: ۱۳۵). با توجه به این مهم، پژوهش حاضر در پی آن است تا برای این پرسش پاسخی مناسب بیابد: تا چه میزان منابع جغرافیایی منازعات منطقه‌ای در میان دو کشور ایران و عراق، با عوامل دوازده گانه مدل‌های پوتیتیکای هاگت قابل تطبیق می‌باشد؟ فرضیه‌ی پژوهش: با توجه به مدل ارائه شده هاگت در این مقاله، و معیارهای ژئوپلیتیکی مطرح شده در آن، عوامل ژئوپلیتیکی در ایجاد تنش بین دو کشور ایران و عراق نقش داشته و هفت مورد از معیارهای آن، به وضوح در روابط دو کشور ایران و عراق مشاهده می‌شود که در نهایت منجر به جنگ بین آنها شده است.

۲- روش تحقیق

این مقاله مبتنی بر روش توصیفی- تحلیلی بوده و ابزار گردآوری اطلاعات و داده‌های آن کتابخانه‌ای و همچنین مراجعه به فصلنامه‌های تخصصی می‌باشد. در روش کتابخانه‌ای بیشتر به بررسی و مطالعه‌ی کتب داخلی و خارجی مربوطه، مجلات، فصلنامه‌ها و سایت‌های اینترنتی مورد تاکید قرار گرفته است.

۳- پیشینه‌ی پژوهش

در زمینه‌ی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران تحقیقات زیادی صورت گرفته است و هر کدام از منظر خاصی به جستجوی علل و عوامل شکل گیری و دلایل آغاز جنگ پرداخته‌اند که در ادامه به بررسی و ذکر چند مورد از آنها خواهیم پرداخت.

محسن خلیلی و همکاران در پژوهش خود با عنوان "مدل سازی ژنوم‌های تاثیر گذار بر سیاست خارجی ایران و عراق" در سال ۱۳۹۲ با تاکید بر تحلیل کدها و ژنوم‌های ژئوپلیتیک موجود در جغرافیای سیاسی ایران و عراق کوشیده‌اند تا میزان تاثیر ژنوم‌های ژئوپلیتیک را در سیاست خارجی دو کشور ارزیابی کنند.

منوچهر پارسادوست در کتابی با عنوان "روابط تاریخی و حقوقی ایران، عثمانی و عراق (۱۹۸۰-۱۵۱۴)" در سال ۱۳۷۰، برای فهمیدن چرایی و چگونگی، انگیزه‌ها و نتایج هجوم عراق به ایران، ابتدا به بررسی روابط ایران و همسایه‌ی غربی‌اش از شروع قرن شانزدهم که دولت عثمانی در تاریخ ۲۲ اوت ۱۵۱۴ جنگ چالدران را به ایران تحمیل کرد می‌پردازد و معتقد است که از آن پس بین دو دولت مسلمان روابط بسیار خصمانه‌ای به وجود آمد که منجر به جنگ‌های مکرر و انعقاد قراردادهای صلح می‌شد. همچنین قرارداد ارزروم (۱۸۴۷) و قراردادهای ۱۹۷۵ و ۱۹۲۷ با عراق و نیز قرارداد الجزیره در تاریخ ۶ مارس ۱۹۷۵ مورد بررسی قرار می‌گیرد که لغو یکجانبه‌ی آن از جانب دولت عراق شعله‌های جنگ را برافروخت.

آذرمیدخت مشایخ فریدنی در پژوهشی با عنوان "مسائل مرزی ایران و عراق و تأثیر آن در مناسبات دو کشور" در سال ۱۳۶۹، به نقش عواملی چون، مسأله‌ی عشایر مرزی، مهاجرت و توطن‌قشری از ایرانیان در عتبات عالی‌ی عراق، تمرکز تعلیمات تشیع و پرورش مجتهدین روحانیون مذهب اثنی عشری در عتبات، اختلافات مرزی به عنوان ریشه‌های تاریخی اختلاف دو کشور و در نهایت علت شکل‌گیری و جنگ تحمیلی عراق بر ایران اشاره می‌کند.

کتاب "بررسی تاریخی اختلافات مرزی ایران و عراق" نیز که در سال ۱۳۷۰ توسط اصغر جعفری ولدانی تدوین شده، در بررسی تاریخی خود بر متغیرهایی چون، برقراری حاکمیت مطلق بر اروند رود، اشغال قسمتی از اراضی ایران، تجزیه‌ی خوزستان و الحاق آن به عراق، استرداد جزایر سه گانه، ایفای نقش ژاندارم در منطقه‌ی خلیج فارس، رهبری بر جهان عرب به عنوان عوامل شکل‌گیری و بروز اختلافات و نقش آن در پیدایش جنگ تحمیلی عراق علیه ایران اشاره می‌نماید.

عبدالحلیم ابوغزاله در پژوهشی با عنوان "جنگ ایران و عراق از نگاه دیگران" با کندوکاوی در تاریخ نشان می‌دهد که جنگ ایران و عراق ادامه‌ی همان درگیری فارس و عرب است که از سال ۶۰۶ قبل از میلاد مسیح آغاز شده است و تا امروز با همه‌ی تغییراتی که حادث شده ادامه دارد.

جک اس.لوی و مایک فروئلیچ در پژوهشی با عنوان "علل وقوع جنگ ایران و عراق" در سال ۱۳۹۰، ابتدا به بررسی زمینه‌ی تاریخی روابط ایران و عراق می‌پردازند و بیان می‌دارند که از دهه‌ی ۱۹۶۰ به بعد، ایران و عراق در برخی زمینه‌ها کشمکش‌های منطقه‌ای و مشکلاتی جدی با هم داشته‌اند. همچنین به نقش عواملی از جمله، هدف صدام از کسب جایگاه برتر در خلیج فارس و جوامع عربی که سال‌های متمادی آن را دنبال می‌کرد، زنگ خطر انقلاب ایران برای کشورهای خلیج فارس به عنوان عوامل شکل‌گیری جنگ ایران و عراق تأکید می‌کند.

حسین علایی در پژوهشی با عنوان "بررسی نقش عوامل مؤثر بر آغاز جنگ تحمیلی" در سال ۱۳۹۱، بر این فرضیه تأکید دارد که حزب بعث عراق به رهبری صدام حسین معتقد بود که با پیروزی انقلاب اسلامی - که به خصومت با جمهوری اسلامی - انجامید. قدرت سیاسی و نظامی ایران تضعیف شده است و عراق می‌تواند با شروع جنگی همه‌جانبه با ایران در بدترین حالت بر اروندرود تسلط یابد و با تغییر مرزهای این کشور مالک اروندرود شود و این متغیر را به عنوان عامل شکل‌گیری جنگ عراق علیه ایران در نظر می‌گیرد.

ریباز قربانی نژاد و همکاران در پژوهشی با عنوان " ایران و عراق: تحلیل منابع جغرافیایی تنش در شمال غرب خلیج فارس " در سال ۱۳۹۷، به بررسی تنگنای ژئوپلیتیکی عراق و محدودیت‌هایی که این کشور در دسترسی به آب‌های خلیج فارس دارد می‌پردازد، ایشان نیز در تحلیل یافته‌های خود از چارچوب نظری پیتر هاگت استفاده کرده‌اند.

۴- نوآوری پژوهش

در پژوهش‌های صورت گرفته‌ی قبلی، بیشتر بر روی مسائل حقوقی و تاریخچه‌ی اختلافات مرزی و ارضی ایران و عراق تأکید شده است. اما در این پژوهش، ما از منظر مؤلفه‌های ژئوپلیتیک و نقش این متغیر در بروز اختلافات منطقه‌ای دو کشور و در نهایت شروع جنگ به تبیین مسأله خواهیم پرداخت. همچنین در این پژوهش برای نخستین بار است که به صورت مجزا و جداگانه متغیرهای ژئوپلیتیکی که سبب بروز جنگ ایران و عراق شده، مورد بررسی قرار گرفته است و سعی در تطبیق این عوامل با مدل «های پوتیتکا»ی پیتر هاگت شده است.

۵- مفاهیم و مبانی نظری پژوهش

۱-۵- ژئوپلیتیک

اصطلاح ژئوپلیتیک را نخستین بار رودلف کلین در سال ۱۸۹۹ مطرح کرد، اما این اصطلاح رواج گسترده‌ای پیدا نکرد مگر از دهه ۱۹۳۰ که گروهی از جغرافیدانان سیاسی آلمان و به ویژه هاوس هوفر در دانشکده جغرافیای مونیخ به دفاع از آن پرداخته است (گریفیس، ۱۳۹۰: ۵۷۴). تعاریف متعددی از ژئوپلیتیک با توجه به فضای زمانه و دوره‌هایی که ژئوپلیتیک پشت سر گذاشته است ارائه شده است که هرکدام تبیین‌کننده‌ی وجهی از این رویکرد بوده است. ژئوپلیتیک محصول زمان خودش است و تعاریف مربوط به آن نیز بر همین اساس تکامل یافته است. ژئوپلیتیک با دوره‌های تاریخی و با تغییر نظام ژئوپلیتیک جهانی، رویکردها و تعاریف مختلفی به خود گرفته است. جفری پارکر ژئوپلیتیک را مطالعه روابط بین‌المللی از نگاه فضای جغرافیایی می‌داند. هدف اصلی در ژئوپلیتیک برتری خواهی / سلطه و ایجاد کنترل بر امور مناطق و جهان و شکست دشمن با توجه به موقعیت و امکاناتی که در اختیار دارد (احمدی و دیگران، ۱۳۹۷: ۴-۳). همچنین رارد اوتایل و جان اگنیو مطالعه ژئوپلیتیک را مطالعه فضا سازی سیاست بین‌الملل به وسیله هسته قدرت و هژمون دولت‌ها می‌دانند (O Tuathil and Agnew, 1992: 192).

محمد حسن گنجی، پدر جغرافیای نوین ایران، در یادداشتی ضمن تأیید تعریف هاوس هوفر، ژئوپلیتیسین آلمانی، از ژئوپلیتیک بیان می‌دارد که « ژئوپلیتیک هنر استفاده از دانش جغرافیا در حمایت و هدایت سیاست دولت‌هاست. دره میرحیدر بنیان‌گذار رشته‌ی جغرافیای سیاسی در ایران در تعریف ژئوپلیتیک می‌نویسد « ژئوپلیتیک شیوه‌های قرائت و نگارش سیاست بین‌الملل توسط صاحبان قدرت و اندیشه و تاثیر آن‌ها بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی در سطح ملی و منطقه‌ای است. محمد رضا حافظ نیا بیان می‌دارد که « ژئوپلیتیک عبارت است از علم مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آنها با یکدیگر» (گل کرمی و

همکاران، ۱۳۹۷: ۴). ژئوپلیتیک متعارف دانشگاهی رابطه جغرافیا با سیاست بین‌الملل است و جزئی‌تر می‌توان گفت ژئوپلیتیک رابطه بین محیط طبیعی (موقعیت، منابع، قلمرو و غیره) و هدایت سیاست خارجی است (Sprout and Sprout, 1960: 161-145).

۵-۲- منازعات منطقه‌ای

منازعات منطقه‌ای، نیازمند تعریف مفهوم منازعه است و در ذیل مفهوم منازعه معنا می‌شود. بر این اساس، مفهوم منازعه معمولاً به وضعیتی اشاره دارد که در آن گروه انسانی معین قومی، زبانی، فرهنگی و اقتصادی با گروه‌های انسانی معین دیگر به دلایل ناسازگاری واقعی یا ظاهری اهدافشان، منازعه‌ای آگاهانه داشته باشند. منازعه پدیده‌ای جهان‌شمول بوده و دائماً در درون و میان جوامع رخ می‌دهد و لزوماً پدیده‌ای بدون وقفه یا دارای شدت یکسانی نیست (ارجمند و دیگری، ۱۳۹۷: ۴-۳). تنش و منازعه عام و نوع خشونت آمیز آن، یعنی جنگ همزاد انسان بوده و در طول تاریخ یکی از مهم‌ترین دلایل نگرانی‌ها و دلمشغولی‌های بشر به شمار می‌رفته است. انسان برای رهایی، کنترل یا تخفیف و تعدیل آن به تلاش‌های نظری و عملی مختلفی دست زده است (قربانی نژاد، ۱۳۹۷: ۵). منازعه پدیده‌ای جهانی است و به طور مداوم درون کشورها یا میان کشورها رخ می‌دهد. ولی همواره به صورت خشونت آمیز بروز نمی‌کند. بلکه ممکن است به صورت‌های ظریف مانند اقتصادی، روانی و اجتماعی بروز کند. هر چند تنش، اغلب مقدم بر بروز منازعه و همواره ملازم با آن است ولی با منازعه مترادف نبوده و همیشه نیز با همکاری ناسازگار نیست (قربانی نژاد و همکاران، ۱۳۹۷: ۱).

لویس کوزر، از منظر جامعه‌شناختی، منازعه را اینگونه تعریف می‌کند: مبارزه و کشمکش بر سر ارزش‌ها و مطالبه منزلت، قدرت و منابع کمیاب که در آن هدف هر یک از طرفین، خشتی کردن، صدمه زدن و یا نابود ساختن رقبای خویش است (Coeser, 1954: 4-5). جنگ و منازعه نمود عینی و شدیدترین شکل اجرای تهدید بین افراد و گروه‌های اجتماعی و ملت‌هاست. به نظر می‌رسد دلیل اساسی بروز جنگ و ستیز به عنوان پدیده‌ای که همزاد انسان‌ها و موجودات زنده می‌باشد درک این موضوع است که تصرف و یا رفع تهدید از منابع و ارزش‌های حیاتی تنها با جنگیدن با رقیب امکان پذیر است و از آنجائی که منافع و ارزش‌های حیاتی عامل بقا و حفظ موجودیت و صیانت نفس بود و این خود امری ذاتی برای انسان و موجود زنده تلقی می‌شود بنابراین جنگ و نزاع رفتار ثانویه ذاتی است که خود از خصلت ذاتی میل به بقا و صیانت نفس ناشی می‌شود. مطابق الگوی زیر:

جنگ و نزاع → تقلا برای حفظ منافع → درک ارزشها و منافع → انگیزه ذاتی میل به بقا (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۳۳۸).

بر این اساس منازعات منطقه‌ای به معنای منازعه بین دو یا چند کشور است که در یک محدوده سرزمینی مشترکی قرار دارند. منازعات منطقه‌ای به عنوان نماد تصاعد بحران در سیاست امنیتی کشورهای مختلف محسوب می‌شود. کشورهایی که در مناطق ژئوپلیتیکی قرار دارند، با چنین واقعیت‌هایی روبرو می‌شوند (مصلی نژاد، ۱۳۹۱: ۴۹). جنگ ایران و عراق را می‌توان نمونه‌ای از منازعات منطقه‌ای دانست.

۵-۳- چارچوب نظری: پیترهاگت؛ نگرشی سرزمینی و هیدروپلیتیکی به پدیده منازعه میان دولت‌ها

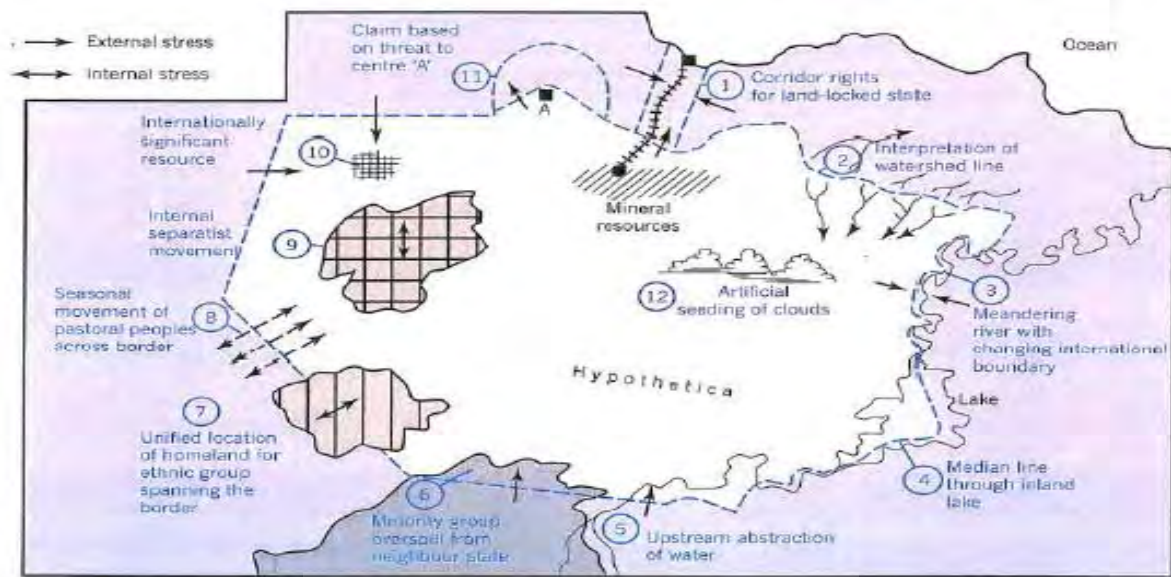
ارزش‌های جغرافیای انسانی و طبیعی موجود در فضای ملی هر کشور از عوامل ایجادکننده تنش و منازعه با محیط پیرامونی به ویژه با همسایگان است که به صورت بالقوه و بالفعل روابط ژئوپلیتیکی آن کشور را با همسایگانش تحت تاثیر قرار می‌دهد. پیترهاگت جغرافیدان انگلیسی در یک مدل فرضی دوازده عاملی، منابع جغرافیایی تنش یک کشور با سایر کشورها را ارائه و احصاء کرده است. این عوامل تنش را بسته به موقعیت جغرافیایی کشور و چگونگی کارکرد عوامل طبیعی و عملکردهای انسانی می‌تواند در به وجود آوردن بحران در مقیاس ملی و فراملی (منطقه‌ای) نقش آفرین باشند و در صورت عدم مدیریت صحیح، منابع جغرافیایی تنش را نه تنها قابلیت‌های کشور را در پیشبرد سیاست‌های کلی و کلان، تحت الشعاع خود قرار می‌دهد، بلکه می‌تواند روابط و مناسبات یک واحد سیاسی را با سایر واحدهای سیاسی به ویژه کشورهای همجوار مخدوش سازد (ذکی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲).

هاگت ضمن ارائه مدلی از کشوری محصور در خشکی، "های پوتیتکا" دوازده محور جغرافیایی بالقوه درد

سرزا را که می‌تواند موجب مشاجره و منازعه دولت‌های همسایه شود، تشریح می‌کند:

۱. حقوق دالانی برای کشور محصور در خشکی جهت دسترسی به دریا از طریق خاک کشور همسایه؛
۲. اختلاف در نحوه تفسیر خط تقسیم آب (آب پخشان) در مرزهای کوهستانی؛
۳. مرز بین المللی در رودخانه‌ای متغیر؛
۴. اختلاف در تعیین مرز در دریاچه مشترک و چگونگی بهره برداری از منابع آب آن؛
۵. ربودن آب قسمت علیای رود توسط کشور فرا دست رودخانه؛
۶. امتداد و گسترش سرزمینی و فضایی یک گروه قومی - زبانی به خاک کشور همسایه؛
۷. استقرار یک گروه اقلیت نژادی و قومی در امتداد دو مرز بین المللی؛
۸. جابجایی فصلی کوچ نشینان در دو سوی مرز بین المللی؛
۹. جنبش جدایی طلبان قومی در فضای داخلی یک کشور؛
۱۰. استقرار یک منبع مهم بین المللی در نزدیکی مرز که مورد ادعای همسایگان می‌باشد؛
۱۱. ادعای یک کشور به خاک کشور همسایه برای حفظ موقعیت برتر حیاتی مناطق و منابع مرزی خویش؛
۱۲. منازعات قانونی بر سر باروری مصنوعی ابرها به منظور تأمین باران در فضای داخلی یک کشور و ایجاد بارش در قلمرو کشور همسایه در اثر حرکت و جابجایی ابرها (Hagget, 1983:477&2001:522). در نقشه شماره (۱) مدل دوازده عامل تنش زای هاگت نمایش داده شده است.

نقشه ۱: مدل های پوتیتکای پیترهاگت و دوازده عامل جغرافیایی تنش زا و منازعه آفرین میان دولت ها



(Source: Hagget, 1983:477 & 2001:522)

بر مدل «های پوتیتکای پیترهاگت» نقدهایی صورت گرفته است، برای مثال گفته شده که (مدل هاگت فاقد متغیرهای مربوط به منابع زیست محیطی و ژئواکونومیکی تنش زا می باشد و با مدنظر قرار دادن عوامل عینی و ملموس جغرافیایی که باعث بروز منازعه میان دولت ها می شوند، از پرداختن به نقش عوامل ذهنی و غیرملموس که نقش عمده ای در تنش زایی و ایجاد بحران در روابط بین المللی دارند، خودداری کرده است). با این وجود، این پژوهش قصد دارد به مؤلفه های ژئوپلیتیکی و تنش زا در جنگ ایران و عراق در چارچوب مدل هاگت بپردازد. انتقادات وارد شده بر مدل هاگت در اصل موضوع و تأثیر منابع ژئوپلیتیکی و عوامل جغرافیایی بر منازعات منطقه ای از جمله منازعه میان ایران و عراق نمی گاهد. بر این مبنای سعی می شود که در ادامه به بررسی مؤلفه های ذکر شده در مطالب فوق برای روشن شدن منازعه میان ایران و عراق در چارچوب مدل هاگت بپردازد.

۷- یافته های پژوهش: تطبیق نظریه پیترهاگت با جنگ تحمیلی عراق علیه ایران

جغرافیا و ژئوپلیتیک هر منطقه نقش عمده ای در برقراری روابط مسالمت آمیز و حسنه و یا برعکس تنش و منازعه میان کشورهای آن منطقه بر عهده دارد. به عبارتی ریشه ی بسیاری از تنش ها و منازعات در روابط میان کشورها در ویژگی های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی آن نهفته است. از سوی دیگر، پایدار بودن ارزش ها و عوامل جغرافیایی سبب ماندگاری و طولانی تر شدن تنش ها و منازعات ناشی از آنها شده است و همین امر حکومت ها را در حل و فصل این اختلافات و تنش ها ناتوان ساخته است (قربانی نژاد، ۱۳۹۷: ۲).

عراق با شش کشور ایران، اردن، کویت، عربستان سعودی، سوریه و ترکیه مرز مشترک دارد و عنصر مجاورت و همسایگی موجب چالش ها و منازعه های بالقوه و بالفعل عراق با این کشورها است. این منازعات را می توان در

قالب اختلافات ارضی و مرزی، اختلافات مذهبی - ایدئولوژیک، منازعات قومی، اختلاف و کشمکش بر سر منابع آب و اختلاف بر سر منابع نفت و گاز و قیمت آنها، بازشناسی و خلاصه کرد (پورسعید، ۱۳۸۹: ۱۲-۱۱). در واقع عراق به صورت کشور، پدیده‌ای است که با فروپاشی امپراتوری عثمانی و با تدبیر سیاسی - نظامی بریتانیا تأسیس شد و محدوده عراق کنونی حاصل تعریف مرزهای آن از سوی انگلیس و به صورت سیاسی و نه جغرافیایی است که به همین دلیل، معضلات جغرافیایی و سیاسی بسیاری برای این کشور به وجود آورده است (همان، ۱۴). یکی از بحران‌های به وجود آمده، در جنگ ایران و عراق نمود یافت که بر مبنای نظریه پیتر هاگت مهم‌ترین متغیرهای ژئوپلیتیکی این منازعه در زیر به تحلیل و بررسی گذاشته می‌شود.

۱-۷- حقوق دالانی برای کشور محصور در خشکی جهت دسترسی به دریا از طریق خاک کشور همسایه؛

اولین مشکلی که از نظر پیتر هاگت در رابطه بین دو کشور همسایه بروز می‌کند و مورد اختلاف است مربوط به کشوری است که محصور در خشکی می‌باشد. نظریه پردازان ژئوپلیتیک، رفتار سیاست خارجی کشورها را تابعی از شرایط موقعیت جغرافیایی آنها می‌دانند و تصمیم‌گیری تصمیم‌گیرندگان را در چارچوب الزامات ژئوپلیتیکی تحلیل می‌کنند. به نظر ماهان، کنترل بر دریاها و به ویژه تنگه‌های استراتژیک، برای قدرت‌های بزرگ الزامی و ضروری است. بنابراین، کشورهایی که به سادگی به اقیانوس‌ها دسترسی داشته‌اند، نسبت به کشورهایی که محصور در خشکی‌اند از امکان بیشتری برای تبدیل شدن به یک قدرت عمده برخوردار بوده‌اند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۲: ۱۴).

طول کرانه دریای عراق در خلیج فارس حدود ۵۸ کیلومتر است که در فاصله خور عبدالله (مرز مشترک عراق با کویت) و جزیره آبادان قرار می‌گیرد. با احتساب طول آب راه خور عبدالله، عراق حداکثر ۸۰ کیلومتر در خلیج فارس ساحل دارد. بصره، ام‌القصر و فاو سه بندر معروف آن در خلیج فارس و دهانه اروندرود هستند که به علت عمق کم و باتلاقی بودن برای نفت کش‌ها قابل استفاده نیست. همین مسأله یکی از چالش‌های ژئوپلیتیک عراق از نظر اقتصادی، ارتباطی، نظامی و راهبردی بوده است. این موضوع بر رفتار سیاسی - نظامی این کشور تأثیر گذاشته و بازدارنده جدی بازیگری آن در این منطقه ژئوپلیتیک بوده و چاره جویی برای تنگنای ناشی از کمبود فضای آبی و ساحلی را به صورت هدفی آرمانی برای آن کشور در آورده است (کاوایانی راد، ۱۳۸۹: ۷-۸). از نظر واقعیت تاریخی، عراق در میان دو امپراتوری بزرگ ایران و عثمانی قرار داشته است که نقش حایل بین آنها را ایفا کرده است که هر دو به سواحل طولانی در دریاها آزاد و بین‌المللی دسترسی دارند (جعفری ولدانی، ۱۳۸۹: ۱۶). محصور بودن نسبی عراق در خشکی نوعی تنگنای ژئوپلیتیکی را به لحاظ دسترسی این کشور به آب‌های آزاد ایجاد کرده و تمایل استراتژیک را برای حضوری وسیع در خلیج فارس برجسته می‌سازد (پورسعید، ۱۳۸۹: ۱۵).

امروزه دسترسی آسان به آب‌های آزاد هم به جهت صادرات کالاها و انرژی و هم به جهت واردات کالاهای مورد نیاز برای هر کشوری از اهمیت اساسی برخوردار است. آنچه که بیشتر باعث حساسیت مسأله دسترسی محدود عراق به آب‌های آزاد شده، این است که این کشور بعد از عربستان دومین ذخایر نفتی ثابت شده جهان را داراست و بالتبع برای انتقال آسان و امن این ماده‌ی حیاتی به سمت بازارهای مصرف در خارج به مسیرهای آبی

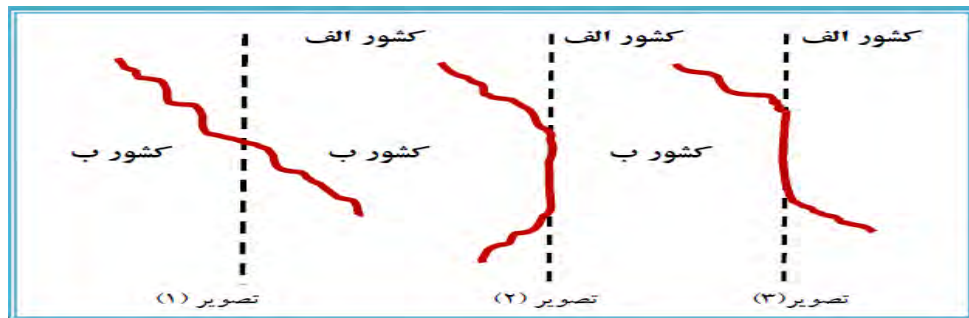
انتقال انرژی بیش از پیش نیازمند است و فقدان همین امتیاز کشور عراق را به کشورهای همسایه ی خویش نظیر ترکیه و سوریه و اردن برای صدور نفت وابسته نموده است. عراق، در واقع جز کشورهای بی حساب می آید که طول مرز آبی و خط ساحلیشان به نسبت وسعت خشکی که دارند، بسیار اندک است. لذا با توجه به این تنگنای ژئوپلیتیکی عراق (محصور بودن در خشکی) می توان چنین نتیجه گرفت که صدام برای خروج از این تنگنا چشم طمع به ایران داشته است و این عامل با مؤلفه ژئوپلیتیکی مدل هاگت در بروز جنگ میان ایران و عراق قابل تطبیق است.

۷-۲- مرز بین المللی در دریاچه مشترک و چگونگی بهره برداری از منابع آب آن

مشکل دیگر کشور فرضی از نظر پیترهاگت مربوط به اختلاف نظر این کشور در تعیین مرز آبی است. در رودخانه های قابل کشتیرانی و دریاچه های مرزی که ناگریز مرز باید از آن ها بگذرد، تعیین خطوط مرزی می تواند موجبات کشمکش دو کشور همسایه را فراهم سازد. اختلاف ایران و عراق بر سر اروند رود از این نوع می باشد. رودهای بین المللی، به راه های آبی گفته می شوند که از مرز بین دو یا چند کشور عبور کرده و نوار مرزی کشورها را مشخص می سازند یا رودهایی که در طول مسیر خود از قلمرو چند کشور عبور می کنند. اساساً وجود منابع آبی مشترک در مناطق مرزی به عنوان یک منبع اقتصادی، عامل مهمی در اختلافات مرزی کشورها به حساب می آید. نوع بر هم کنش میان دولت ها در بهره برداری از منابع آبی مشترک طیف گسترده ای از سازگاری و همکاری تا ناسازگاری و جنگ را در بر می گیرد (زرقانی و دیگری، ۱۳۹۰: ۱).

رودخانه های بین المللی ممکن است دارای اشکال مختلفی باشند در شکل (۱) تصویر اول رودخانه با قطع خط مرزی، وارد کشور همسایه می گردد. در این حالت در رودخانه روابط بالادست - پایین دست مطرح است. در تصویر دوم، ممکن است رودخانه در قسمتی از مسیر خود، به عنوان خط مرزی قرار می گیرد و وارد کشور همسایه نشود، که به آن رودخانه مرزی گفته می شود. در تصویر سوم، نوع ترکیبی از دو مورد قبلی می باشد، که رودخانه در قسمتی از مسیر خود خط مرزی بین دو کشور را تشکیل می دهد و سپس وارد کشور همسایه می شود. اختلاف بر سر تقسیم آب در هر سه حالت فوق اتفاق می افتد (نیرومند فرد و دیگری، ۱۳۹۷: ۶-۵). کشور ایران با تمام همسایگان خود، رودخانه ای و منابع مشترک آب دارد، از مجموع ۸۷۳۰ کیلومتر مرز مشترک، ۴۷ درصد آن مرز خشکی و ۵۳ درصد مرز آبی است، این مرز آبی شامل ۱۹۱۸ کیلومتر مرز رودخانه ای است؛ صرف نظر از اهمیت سیاسی منابع آب مشترک، زندگی حدود ۸ درصد جمعیت کشور، وابستگی مستقیم به این منابع آبی دارد. عوامل محیطی، اقتصادی و سیاسی از جمله مولفه هایی هستند که بر محور آب، سبب بحران در روابط سیاسی ایران و همسایگان شده است که موضوع عراق از همه مهمتر بوده است. رودخانه ای هم که بیش از سایر رودخانه ها سبب ایجاد بحران در روابط سیاسی ایران و عراق شده است، رودخانه مرزی اروند رود می باشد (محسنی و دیگری، ۱۳۹۱: ۷).

شکل ۱: اشکال مختلف رودخانه‌های مرزی .



(منبع: محسنی و رحیمی پور، ۱۳۹۱: ۴).

شکل ۲: اروند رود مرز مشترک آبی ایران و عراق



(منبع: پارساپور، ۱۳۸۹: ۱)

"اروند رود" در جنوب غربی کشور ایران و هم مرز با کشور عراق است که از پیوستن رودهای دجله، فرات و کارون پدید آمده است. این رود پس از طی مسافتی طولانی در محلی به نام قصبه فیلیه به خاک ایران می‌رسد. طول اروندرود از قرنه تا ریزشگاه آن در خلیج فارس ۱۹۰ کیلومتر است. ریزشگاه اروند رود بین شهر ایرانی "اروندکنار" و شهر عراقی "فاو" قرار دارد که در نهایت در ۸ کیلومتری جنوب اروند کنار به خلیج فارس می‌ریزد. عرض این رود بین ۴۰۰ تا ۱۰۰۰ متر و عمق آن تا حدود ۱۸ متر متغیر است. بندرهای ایرانی "خرمشهر" و "آبادان" و همچنین بزرگترین بندر عراق یعنی "بصره" در کناره‌های این رودخانه واقع شده‌اند. این رود "میان مشترک" است و طبق قوانین بین‌المللی هر دو کشور حقوق یکسانی در استفاده از آن دارند. با توجه به اینکه نحوه تعیین خط مرزی برای رودخانه‌های مرزی یا به روش خط فرض "مقسم المیاء" (خط فرض منصف وسط رودخانه) است یا به روش "تالوگ" (به معنای خط القعر قابل کشتیرانی در حالت جزرکامل) رودخانه اروند رود طبق مشخصاتی که

دارد باید به روش تالوگ تعیین مرز می‌شود، اما عراق مدعی مالکیت کامل بر همه رودخانه بود و مرز را ساحل ایران و نه در امتداد خط تالوگ می‌دانست که این ادعا فاقد مبنای حقوق بین‌الملل بود (بویه و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰-۹).

آبراه اروند رود اهمیت استراتژیک بسیار زیادی برای عراق داشت و کشمکش‌هایی که پس از تشکیل کشور عراق تا انعقاد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر بین ایران و عراق وجود داشت، گواهی بر تعلق ژئوپلیتیک شدید عراق بر اروند رود داشت. هرچند قوانین بین‌الملل حاکمیت دو کشور بر اروند رود را مساوی می‌دانست اما عراق مدعی حاکمیت کامل بر تمامی رودخانه بود و مرز دو کشور را ساحل ایران نه در امتداد خط تالوگ می‌دانست که این ادعا نه مبنای حقوقی داشت و نه عملی است؛ زیرا با این فرض، اروند رود جزء آبهای داخلی عراق به شمار می‌آید که در این حالت حق استفاده ایران را برای کشتیرانی و ماهیگیری و برداشت آب از این رودخانه باید با اجازه و تصویب عراق و پرداخت عوارض انجام شود (زرقانی و دیگری، ۱۳۹۷: ۱۷).

اروند رود برای عراق از اهمیت بیشتری برخوردار است زیرا این آبراه به همراه خور عبدالله تنها مسیرهای ارتباطی این کشور با دریا هستند برای نگه داشتن خور عبدالله، عراق نیازمند لایروبی مداوم است از سوی دیگر عراق در این خور با کویت مرز داشته و این منطقه برای کویت اهمیت کمتری دارد در نتیجه انجام لایروبی مشترک و دائمی را برای خود ضروری نمی‌بیند، بنابراین اروند رود در درجه اول اهمیت برای عراق قرار می‌گیرد (محسنی و دیگری، ۱۳۹۱: ۸). یکی از واقعیت‌های ژئوپلیتیکی عراق این است که علاوه بر طول کوتاه ساحل در خلیج فارس، تنها راه دسترسی این کشور به این آبگیر "اروند رود" است که ایران و عراق بر آن حاکمیت مشترک دارند و ساحل شرقی آن تحت کنترل ایران است. این بدان معناست که گلوگاه آبی عراق در دست ایران است و حضور فعال و نقش آفرینی این کشور در پهنه آبی خلیج فارس مشروط و منوط به اراده و حسن نیت ایران می‌باشد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۲: ۱۷). از اهمیت اروند رود برای عراقی‌ها از جهات گوناگون قابل بررسی است. این رود مهمترین راه دستیابی این کشور به خلیج فارس است و در تضمین حاکمیت عراق بر آن می‌تواند از جهات مختلف به ویژه از جهات اقتصادی، برای این کشور مفید باشد. از سوی دیگر، واقع شدن منابع نفتی "زبیر" و "رمیله" و همچنین مهمترین منابع گاز طبیعی عراق در اطراف این آبراه، اهمیت آن را برای عراق دو چندان نموده است. در نتیجه چگونگی اعمال حاکمیت بر اروند رود، همواره به عاملی برای ایجاد تنش در روابط ایران و عراق تبدیل شده است (علوی پور، ۱۳۸۸: ۹).

رهبان عراق در تجاوزات خود به ایران، قبل و بعد از انقلاب، نه تنها این اهداف ژئوپلیتیکی را مد نظر داشته اند، بلکه در بسیاری موارد برای توجیه آنها به وضوح به دلایل ژئوپلیتیکی متوسل شدند. صدام حسین در ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰، چند روز قبل از تهاجم به خاک ایران اعلام کرد: «وضعیت حقوقی شط العرب (اروند رود) باید به قبل از مارس ۱۹۷۵ برگردد. این رودخانه با تمام حقوقی که از حاکمیت مطلق عراق بر آن ناشی می‌شود جز تمامیت عربی عراق است، همانگونه در طول تاریخ در نام و در واقعیت این گونه بوده است». سعدون حمادی نیز در نامه ۲۷ اکتبر ۱۹۸۰ خود لزوم تصرف ساحل شرقی اروند رود یعنی بندرهای خرمشهر و آبادان را خواستار شد. ادعاهای عراق نسبت به حاکمیت اعراب بر این جزایر بیش از آنکه برخاسته از اراده این کشور برای دفاع از حقوق به اصطلاح اعراب باشد، نشات گرفته از الزامات و انگیزه‌های ژئوپلیتیک است (اکبری، ۱۳۹۷: ۳۸-۳۷).

با این تفاسیر به خوبی می‌توان چنین نتیجه‌ای گرفت که با توجه به تنگنای ژئوپلیتیکی عراق در دسترسی به آبهای خلیج فارس و اهمیت اروند رود برای عراقی‌ها، یکی دیگر از دلایل حمله عراق به ایران دسترسی به اروند رود و به تبع آن افزایش طول سواحل عراق در خلیج فارس و ایفا کردن نقش مهمتری در خلیج فارس و از بین بردن این تنگنای ژئوپلیتیکی‌اش بوده است.

۷-۳- امتداد و گسترش سرزمینی و فضایی یک گروه قومی - زبانی به خاک کشور همسایه

امروزه تعاریف متعددی از قوم و قومیت وجود دارد که هر یک از آنها بر عناصر خاصی از این پدیده‌ی اجتماعی تاکید دارند. به نظر می‌رسد در این خصوص رساترین تعریف مربوط به ویکتور کوزلوف قوم شناس معروف می‌باشد که معتقد است قوم یک سازمان اجتماعی تشکیل یافته‌ای است که بر پهنه‌ی سرزمینی معینی قرار دارد و شامل مردمی است که در طول تاریخ با هم پیوندهای اقتصادی، فرهنگی، خویشاوندی برقرار کرده‌اند، دارای زبان، ویژگی‌های فرهنگی، ارزش‌های اجتماعی و سنت‌های مشترکی باشند (رضا زاده و دیگری، ۱۳۹۶: ۳).

یک گروه قومی از آن رو با گروه‌های قومی دیگر تفاوت و مرز بندی دارد که هویتی متفاوت - خواه واقعی یا تصویری - برای خود قائل بوده و کما بیش براساس همین تفاوت هویتی رفتار می‌کند. این مفروض، گزاره‌ای مورد مناقشه نیست. نکته مهم مناقشه انگیز شکل تأثیرگذاری این متغیر هویت بخش بر سیاست خارجی است. اگر چه بیشتر حرکت‌های تجزیه طلبانه در محدوده سرزمینی کشورها محصور است، اما وقتی که حکومت‌ها نتوانند به تقاضا پاسخ مثبت دهند و یا نتوانند به روش مناسب به سرکوب یا مهار تجزیه طلبان اقدام کنند، گرایش به کسب حمایت خارجی به ویژه از سوی کشورهای همسایه و گروه‌هایی که با آنها وابستگی قومی، نژادی، و یا پیوندهای فرهنگی دارند، تقویت می‌شود. ایران به شکل طبیعی تکثر قومی دارد و یکی از ناهمگن‌ترین کشورهای خاورمیانه است. ایران از نظر ناهمگنی زبانی در شمار ده کشور نخست دنیا و اولین کشور از این نظر در جهان اسلام است. بارها در طول حیات سیاسی خود شاهد اوج‌گیری تنش‌هایی با منشأ قومی بوده است (خلیلی و همکاران، ۱۰: ۱۳۹۱-۹).

در خاورمیانه و جهان سوم، فرایند دولت - ملت سازی روند ناقص و نارسای را طی کرده است. در این میان عراق یک نمونه قابل توجه است. به گواه بسیاری از تحلیلگران، عراق یک کشور چند قومیتی است که بر این اساس، مسائل مهم در این کشور به شدت با عنصر «هویت» در آمیخته است. به گونه‌ای که قومیت گرایی در این کشور با انکار هویت اقوام مختلف، ارتباط محکمی داشته است. سلطه‌ی اعراب سنی بر دیگر اقوام، در رژیم صدام یک سند محکم برای اثبات این مدعاست. بر مبنای همین خصلت ساختاری در عراق معاصر، بسیاری از صاحب‌نظران امور عراق برآنند که چگونگی ارتباط کردها، شیعیان و سنی‌ها (به عنوان سه گروه قومی تأثیرگذار در مناسبات سیاسی-اجتماعی عراق) تعیین کننده‌ی صلح، ثبات، ناامنی و مناقشه و حتی جنگ داخلی در این کشور است (رستمی و دیگری، ۱۳۹۵: ۲).

جدول ۲: گستره تعارضات قومی در جهان

منطقه	تعداد گروه‌ها	تمایز سیاسی	تمایز اقتصادی	تمایز فرهنگی	درخواست خودمختاری	تظاهرات	آشوب
خاورمیانه و شمال آفریقا	۱۴	۸۶	۶۴	۵۷	۵۷	۲۳	۱۷
آسیا	۳۱	۴۳	۷۷	۶۴	۷۸	۱۷	۳۵
بلوک شوروی سابق	۲۶	۴۴	۳۸	۵۴	۶۳	۱۵	۱۲
امریکای لاتین	۱۲	۶۷	۹۲	۷۵	۶۷	۸	۱۹
دموکراسی‌های غربی	۸	۳۷	۶۲	۵۰	۳۷	۲۵	-
آفریقا	۱۴	۴۳	۷۱	۲۹	۵۷	۳۳	۲۳

(منبع: جاجرمی و همکاران، ۲۰۱۳: ۲۱)

شیعیان عراق هم از نظر تعداد و هم از نظر تأثیر فکری - ایدئولوژیکی، مهمترین گروه شیعه در جهان عرب به شمار می‌آیند. ۵۵ تا ۶۰ درصد جمعیت ۲۲ میلیونی عراق را شیعیان تشکیل می‌دهند که تقریباً ۱۲ میلیون نفر هستند. بیشتر آن‌ها عرب هستند و تعداد اندکی از آن‌ها را شیعیان ترکمن و فارس عرب شده تشکیل می‌دهند. اگرچه اکثریت مطلق جمعیت عراق را شیعیان تشکیل می‌دهند، اما حکومت این کشور از زمان شکل‌گیری‌اش، در دست سنی‌ها بوده و در سه دهه گذشته، تنی چند از جماعت سنی و در رأس آن صدام حسین و خانواده‌اش، این کشور را تحت سلطه روز افزون خود داشته‌اند. از اواخر دهه ۱۹۷۰ شمار زیادی از شیعیان عراقی به منظور سکونت در ایران، سوریه، بریتانیا و دیگر کشورهای عربی و اروپایی، عراق را ترک کرده و در این کشورها به ایجاد گروه‌هایی برای مخالفت با رژیم عراق مبادرت ورزیده‌اند. در داخل عراق، گروه شیعی جنوب در مقابل حکومت صدام حسین به مقاومت مسلحانه یکپارچه و هرچند ضعیف خود ادامه دهند (ای. فولر و دیگری، ۲۰۱۳: ۱-۲).

پس از پیدایش دولت عراق در پی تجزیه امپراتوری عثمانی، انتظار می‌رفت شیعیان به نسبت کثرت و اهمیتشان نقشی برجسته در سیستم حکومتی ایفا کنند، ولی نه تنها صاحب چنین نقشی نشدند، بلکه از آغاز حکومت سلسله‌ی هاشمی از نظر سیاسی گروهی منزوی بوده‌اند. ۵۹ دولت در عراق از سال ۱۹۲۱ تا ۱۹۵۸ تشکیل شد که صرفاً پنج نفر از شیعیان از میان صدها نفری که به منصب وزارت نخست و زیری رسیدند، توانستند در منصب نخست وزیری دولت تشکیل بدهند و حدود سه سال زمام امور کشور را به عهده بگیرند. از سال ۱۹۵۸ تا ۱۹۹۰ صرفاً یک شیعه به نخست وزیری رسید که به مدت ده سال در سمت ابقا شد. این تبعیض آشکار در عرصه‌های فرهنگ، پارلمان، مطبوعات و بازرگانی نیز دیده می‌شود (اکبری، ۲۰۱۳: ۶۵).

استقرار یک رژیم اسلامی شیعه مذهب در ایران بالقوه اثرات زیادی بر ۵۵ درصد از ۱۲ میلیون عراقی که شیعه می‌باشند، داشته است. شیعیان عراق فقیرتر و کم سوادتر از رقبای عرب سنی خود که ۲۰ درصد کل جمعیت را

تشکیل می‌دهند هستند و از جهت تاریخی همواره نقش تابع را در کشور ایفا کرده‌اند (دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ۱۳۷۰: ۱۸).

نکته اساسی که در خصوص جایگاه و نقش آفرینی شیعیان عراق وجود داشت ارتباط گسترده و عمیق شیعیان عراق با شیعیان ایران بود. ارتباطی که از سطوح عالی مراجع و حوزه‌های علمیه شروع شده و تا عمق لایه‌های مذهبی و اجتماعی هر دو کشور امتداد داشت. ارتباط تنگاتنگ شیعیان ایران و عراق با یکدیگر، عامل بالقوه مهمی بود که باعث به وجود آمدن مسائلی در روابط دو جانبه ایران و عراق شد. از همان ابتدای تأسیس عراق، دولت آن کشور، ایران را به عنوان یکی از عوامل بالقوه تأثیرگذار بر مسائل داخلی آن کشور "از جنبه مذهبی" می‌نگریست. در دهه‌های بعد و به ویژه پس از کودتای عبدالکریم قاسم و برقراری رژیم جمهوری در عراق، حساسیت مقامات عراقی به این موضوع بیش از پیش افزایش یافت و به یک موضوع امنیت داخلی عراق تبدیل شد. در مواجهه با چنین وضعیتی، دولت عراق درصدد برآمد در تبلیغات وسیعی که برای معرفی ایران به عنوان دشمن اصلی آن کشور به راه انداخته بود، وضعیت را به گونه‌ای پیش ببرد که مانع نزدیکی شیعیان دو کشور به یکدیگر شود (کوهستانی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۱۱-۱۰).

با توجه به پیام جهان شمول انقلاب اسلامی ایران و اکثریت جمعیت شیعه عراقی و ایرانی تبار بودن بسیاری از آنها موجبات وحشت برای دولت عراق فراهم شده بود. از این رو به نفع صدام بود که انقلاب اسلامی ساقط شده و کشور ایران تجزیه شود. عراق به دلیل این نگرانی‌ها در بهار سال ۱۳۵۸ تعداد زیادی از شیعیان عراقی ایرانی تبار را به طرز وحشیانه‌ای با مصادره همه مایملک آنان اخراج نمود. گرچه دولت انقلابی ایران نه می‌خواست و نه توان آن را داشت که برای صدور انقلاب، یک کشور خارجی را مورد حمله قرار دهد اما به طور کلی در گفتار و کردار حاکمان عراق مسائل ذیل برای توجیه حمله به ایران عنوان می‌شد. ترمیم قرارداد الجزایر، استقلال خوزستان، گرفتن جزایر سه گانه، حمایت از اسلام و تحقق قادسیه دوم و شکست ایرانیان مجوس! تجزیه ایران و سرنگونی دولت انقلابی ایران از اهداف اعلام شده عراق توسط مقامات این کشور است که در مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها بارها اعلام شده است (رحیمی، ۱۳۸۵: ۳۴). نارضایتی اکثریت شیعه از حزب بعث که پیروزی انقلاب اسلامی آن را جدی‌تر کرد سبب شد تا شیعیان برای تحقق اهداف خود گروه‌های نظامی و سیاسی تشکیل دهند و رسماً سرنگونی رژیم بعث و برقراری حکومت اسلامی را خواستار شوند. این وضعیت عراق را با احساس ناامنی روبرو کرده بود. بدین ترتیب، هر نظام یا شخصی را برآن می‌داشت یا برای خروج از ذهنیت ناامنی نسبت به همسایه خود یا دیگری، پرخاشگری یا با آن ستیزه جویی کند. آنها از هرگونه تحول سیاسی و نظامی در اطراف خود هراسان بودند، به ویژه آنکه کشور عراق با داشتن زمینه‌های فراوان کودتا و شورش، از این نظر مساعد بود. به عبارت دیگر زمامداران عراق از قدرت نهفته در ایران و طرفداران آن در منطقه ترسیده بودند. طبق نظر هابز، ترس از قدرت دیگران یکی از عوامل بروز جنگ‌هاست. بر اساس نظریات دانشمندانی مانند هابز و گاستون بوتون، ترس از تحولات ایران و امکان تهدید عراق از سوی ایران، یکی از علل مهم حمله عراق به ایران بود (قربانی، ۱۳۸۲: ۹).

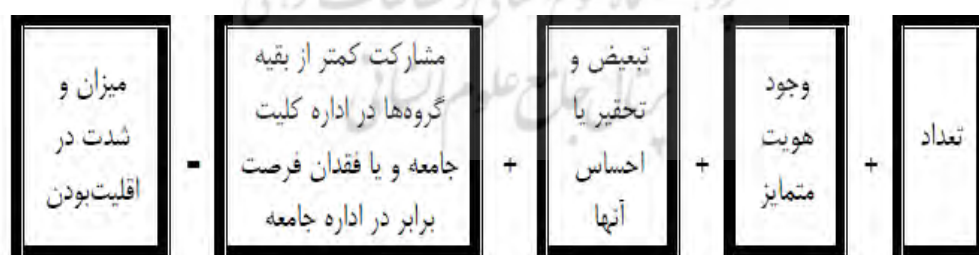
احتمالاً صدام حسین قبل از اینکه به فکر گشایش نظامی و فتح سرزمینی باشد به جنگ ایده‌های شیعی - انقلابی مردم ایران آمد تا هم ایده‌های رادیکال عربی را در هویت ملت‌های منطقه تثبیت کند و هم موجودیت و هویت

رژیم خود را در مقابله با دشمنان شیعی داخلی و خارجی تحکیم بخشید (زرقانی و دیگری، ۱۳۹۵: ۱۳). بر این اساس، وجود گروه قومی شیعه در این کشور و تشکیل حدود ۶۰ درصد جمعیت آن از یک سو و بروز انقلابی شیعی در ایران و ارتباط شیعیان دو کشور با هم از سوی دیگر موجب ظهور یکی دیگر از مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی مورد نظر هاگت در بروز جنگ میان این دو کشور شد.

۷-۴- استقرار یک گروه اقلیت نژادی و قومی در امتداد دو مرز بین‌المللی

از نظر هاگت یکی دیگر از عوامل تنش و منازعه در رابطه با اقلیت‌ها مربوط به یک گروه قومی مشخص است که نیمی از آن‌ها در کشور فرضی و نیم دیگر در کشور همسایه زندگی می‌کنند. این دو گروه متمایز در هر دو کشور اقلیت محسوب می‌شوند. بنابراین گروه قومی مذکور میل دارند که مرزهای سیاسی موجود را تغییر داده و با تشکیل یک سرزمین واحد و یکپارچه برای خود دولتی مستقل به وجود آورند. داعیه استقلال طلبی این اقلیت می‌تواند یک کانون کشمکش و منازعه را ایجاد کند.

اقلیت عبارت است «گروهی از یک جامعه سیاسی و یا دولت - کشور که معمولاً از نظر تعداد، کمتر از سایر اعضای جامعه بوده، به دلیل عواملی چون قومیت، مذهب، زبان، فرهنگ و غیره دارای هویتی متمایز از دیگر اعضای جامعه‌اند و در عرصه‌های گوناگون، به ویژه اداره جامعه، به طور موثر و با فرصت یکسان، مشارکت و حاکمیت ندارند و در معرض تبعیض، تحقیر و ستم قرار دارند». ذکر قید «معمولاً» درباره کمتر بودن تعداد گروه اقلیت، به این دلیل است که گاهی تعداد اعضای گروه اقلیت، از نظر تعداد اعضای گروه حاکم بیشتر است، ولی به دلیل قرار گرفتن در موضع ضعف و برخورداری از سایر شاخصه‌های اقلیتی، در «موضع اقلیت» قرار می‌گیرد. مفهوم امروزی اقلیت، مفهومی شمارشی و عددی نیست، بلکه این اصطلاح درباره همه‌ی گروه‌هایی به کار می‌رود که در یک جامعه زندگی می‌کنند؛ ولی به دلیل وابستگی قومی، مذهبی، زبانی و یا حتی غرابت رفتار و عادات، از دیگر افراد آن جامعه متمایز می‌شود (دشتی و دیگری، ۱۳۸۹: ۱۰). از این تعریف فرمول زیر قابل استنباط است:



منبع: (دشتی و دیگری، ۱۳۸۹: ۱۰)

یکی از مهمترین عوامل بروز تنش و مشاجره بین دو کشور، گسترش یک واحد قومی در دو سوی مرز بین‌المللی می‌باشد زیرا این مسأله، مهمترین اهرم مورد استفاده دولت‌هاست که با تحریک قوم همگن در دو سوی مرز، بر علیه یکدیگر بکار می‌گیرند. ایران از معدود کشورهای جهان می‌باشد که قومیت‌های گوناگون را در خود جای داده است. این اقوام در طول تاریخ، به صورت یکپارچه و منسجم در درون مرزهای کشورمان می‌زیسته‌اند که

با فروپاشی حکومت‌های وقت و ترفندهای دولت‌های استعمارگر نظیر انگلیس، فرانسه و روسیه در تحدید حدود مرزهای سیاسی، در راستای تأمین منافع آتی و سلطه جویان آنان، شرایطی را پدید آورده‌اند که اقوام همگن مثل کردها، عرب‌ها، ترک‌ها و بلوچ‌ها در دو سوی مرز قرار گرفته و مرز سیاسی را از میان آنان عبور داده‌اند و بدین ترتیب، منبع تنش و مشاجره دائمی میان حکومت‌های مرکزی طرفین ایجاد کرده‌اند. هارت شورن گفته است: "۶۹ عبور مرزهای سیاسی از میان یک قوم موجب پدید آمدن منبع تنش و مشاجره دائمی میان حکومت‌های مرکزی طرفین می‌شود" (شهبازی، ۱۳۸۳: ۱۰).

اقوام کرد که در شمال عراق و اعراب سنی که در مرکز و اعراب شیعی که در جنوب عراق و در کنار مرز ایران مستقر هستند بر اقوام کرد و عرب زبان شیعه یا سنی ساکن در مرز ایران تأثیر می‌گذارند. این احساس همگنی که بین مردم ایران و عراق وجود دارد موجب تأثیر متقابل اقوام در دو سوی مرز شده و تحریکات مرزی را به وجود می‌آورد که می‌تواند حوزه امنیت ملی هر دو کشور را به خطر اندازد. ویژگی مورد بحث که یکی از ریشه‌های اصلی تنش و تهدید بین ایران و عراق محسوب می‌گردد (شهبازی، ۱۳۸۳: ۱۳-۱۲). به عنوان مثال، یکی از انگیزه‌های صدام در حمله به ایران جبران تحقیری بود که شخصاً در امضای قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر متحمل شده بود. در سال ۱۹۷۵ به دنبال مشکلات داخلی که در جنگ با کردها برای دولت عراق فراهم شده بود و کردهای عراق مورد عنایت شاه قرار داشتند، صدام حسین معاون رئیس جمهور عراق تحت فشارهای داخلی و بین المللی به امضاء قرارداد مزبور تن در داد و همواره احساس می‌کرد که در این جریان تحقیر شده و "اجباراً" تن به امضاء این قرارداد داده است. بنابراین مترصد فرصتی بود که بتواند این احساس حقارت را جبران نماید. بدین علت در صدد بهانه‌ای بود که قرارداد ۱۹۷۵ را باطل اعلام نماید و این کاری بود که در ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰ (سه روز قبل از آغاز جنگ) در یک اجلاس فوق العاده مجمع ملی صورت داد وی در مورد این تصمیم گفت: "از زمانی که حاکمان ایران این معاهده را در آغاز در دست گرفتند، به وسیله مداخله در امور داخلی عراق چه به صورت پشتیبانی مالی و یا تسلیحاتی از گروه‌های مختلف، نقض کرده‌اند، همانطور که شاه چنین می‌کرد من به شما اعلام می‌کنم که معاهده ۶ مارس ۱۹۷۵ الجزایر از طرف ما ملغی می‌باشد" (محمدی، ۱۳۷۲: ۱۶).

۷-۵- جنبش جدایی طلبان قومی در فضای داخلی یک کشور

مشکل دیگر در مورد اقلیت از نظر هاگت، وجود یک اقلیت منسجم در داخل کشور فرضی است. ادعای این اقلیت منسجم برای جدا شدن و به استقلال رسیدن موجب پیدایش نهضت جدایی طلبانه در داخل کشور فرضی شده است. البته تا وقتی که تمایلات جدایی طلبانه در داخل کشور محدود باشد، در واقع شاید مشکلی به وجود نیاید، اما اگر این حرکت جدایی طلبی از پشتیبانی نیروهای خارجی برخوردار باشد، آنگاه تبدیل به یک مسأله ژئوپلیتیک و مشکل آفرین می‌شود.

تا زمانی که جنبش‌های اجتماعی و اعتراضی قومی و حتی پیشاهنگان و حاملان خرده فرهنگ‌های قومی تنها در صدد ایجاد دگرگونی در روابط اجتماعی موجود - که به زعم آن‌ها نابرابر و غیر عادلانه است - برآیند و با بهره گیری از ارزش‌های مشترک و با بسیج قومی از طریق قالب‌های قانونی و غیرقانونی به طرح خواسته‌ها و آرزوهای

خود مبادرت ورزند، در صدد ایجاد تشکل سیاسی و یا کسب قدرت سیاسی نیستند، اما از زمانی که یک جنبش قومی و یا دارندگان یک خرده فرهنگ قوی و به طرق مختلف، همچون تشکیل یک حزب با یک نیروی مسلح برای کسب قدرت سیاسی و اعمال و اجرای خواسته‌های خود می‌کوشد، باید طرح و بررسی شود. آنچه که موجب می‌شود تا یک جنبش اجتماعی و قومی، به یک جنبش سیاسی - اجتماعی تبدیل شود و یک خرده فرهنگ فرایند جدایی تفکیک و تمایز یافتگی را تجربه کند، متأثر از اوضاع و احوال و در ظاهر تحمیلاتی است که به نظر سرآمدان گروه قومی دیگر غیرقابل تحمل شده و ادامه آن غیر معقول است. از این منظر، تنها راه‌هایی از وضعیت نابسامان موجود، کسب قدرت سیاسی و یا نفوذ بر نظام تصمیم‌گیری کشور برای بهبود اوضاع و احوال سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اقلیت قومی است (ساجدی، ۱۳۸۴: ۱۵-۱۴).

تعارضات و جنگ‌های داخلی در عراق، طی سال‌های گذشته، نشان داد که گروه‌های مختلف کماکان بر روی هویت‌های قومی خود پافشاری می‌کنند. دولت ملی به مثابه آنچه که ما در غرب می‌بینیم، در این کشور شکل نگرفت. شکاف‌های قومی - فرقه‌ای عراق، در اثر فرایند جهانی شدن و گسترش ارتباطات و کم رنگ شدن وفاداری قومیت‌ها به دولت مرکزی، و اهداف و منافع متفاوت و حتی متناقض گروه‌های شیعی، سنی و کرد در ساختار سیاسی این کشور، مانعی عمده برای ایجاد نهادهای مشروع و مصالحه سیاسی هستند (سمیعی اصفهانی، ۱۳۹۳: ۲۰). کردها هنگام تولد کشور عراق، با استناد به اصول دوازده گانه ویلسون و عهدنامه سور، خواستار استقلال بوده‌اند و به مرور با اعلام استقلال عراق (۱۹۳۲م) کردها خواهان خودمختاری فرهنگی - سیاسی در چارچوب عراق و همچنین مشارکت مناسب در پست‌های حکومت مرکزی بوده‌اند. سابقه مسئله کرد در عراق به عنوان موضوعی سیاسی، چالش بر سر دولت ملی، به فروپاشی امپراتوری عثمانی و حوادث پس از جنگ جهانی اول بار می‌گردد، این مسأله تا کنون روندی متفاوت از درگیری با حکومت عراق و سرکوب شدن از طرف دولت مرکزی تا جنگ داخلی و دخالت‌های سازمان ملل و خود مختاری مناطق کردنشین داشته است (باقری، ۱۳۹۲: ۱۸).

مبارزه برای تشکیل دولت مستقل کرد در شمال عراق از دوران حکومت بریتانیا در عراق آغاز و در سال ۱۹۶۱ رهبر حزب دموکرات کردستان - مصطفی بارزانی -، آن را از سر گرفت. این روند به جنگ کردها با دولت انجامید که در سال ۱۹۷۰ با توافقنامه صلحی که به کردها خودمختاری اعطا کرد، به پایان رسید. سال بعد، با ایجاد اتحادیه میهنی کردستان، در صفوف جرب دموکراتیک کردستان شکاف ایجاد شد. در سال‌های ۱۹۸۸-۱۹۸۷، زمانی که جنگ ایران و عراق به پایان خود نزدیک می‌شد، رژیم صدام حسین عملیات خشونت باری علیه کردها آغاز کرد. طی عملیات انفال نزدیک به ۱۸۲ هزار کشته و بیش از ۴۰۰۰ روستا ویران شد (فرزین راد و دیگران، ۱۳۹۸: ۵).

تلاش جدایی طلبان کردها در شمال عراق دارای سابقه طولانی است. این مسأله همواره یکی از موانع اصلی هر نوع تلاشی برای اجرای طرح‌های توسعه متوازن کشور بوده است. در کنار آن، همواره قسمتی از توان و منابع مالی دولت عراق، صرف مبارزه با جدایی طلبی‌های کردها بوده است. این مسأله، به خصوص با توجه به واقع شدن میدان‌های عظیم نفتی کرکوک و موصل در منطقه کردنشین، ابعاد ویژه‌ای به خود می‌گیرد. از سوی دیگر، کردها از آغاز همواره به عنوان وسیله فشار دولت‌های همسایه بر دولت عراق مورد استفاده قرار گرفته‌اند. از جمله مهمترین سوء استفاده‌های کشورهای همسایه را می‌توان در حمایت دولت ایران از شورشیان کرد عراق در دهه ۱۹۷۰ دانست

که در نهایت دولت عراق را مجبور به قبول معاهده ۱۹۷۵ الجزایر با ایران نمود که بر اساس آن خطوط مرزی دو کشور به گونه‌ای تنظیم شد که رضایت دولت ایران را به همراه داشته باشد. ایران نیز در مقابل دست از حمایت کردهای معارض دولت عراق برداشت (علوی پور، ۱۳۸۸: ۱۲).

ادامه رقابت ایران و عراق پس از سال ۱۳۵۷ بر کردهای هر دو کشور تاثیر گذاشت. حزب دموکرات کردستان ایران و کومله پایگاه‌های نظامی خود را در عراق مستقر کرده بودند از بغداد کمک مالی و نظامی دریافت می‌کردند. ایران نیز از حزب دموکرات کردستان عراق و در مواردی از اتحادیه‌ی میهنی کرد حمایت می‌کرد (خلیلی و دیگران، ۱۳۹۲: ۹).

احزاب کرد مخالف رژیم بعث صدام، با حمایت‌های جمهوری اسلامی ایران، ائتلافی قدرتمند علیه حزب بعث صدام تشکیل دادند. به نحوی که در سال ۱۹۷۹ و پس از مرگ مصطفی بارزانی، مسعود بارزانی در انتخابات کنگره حزب به رهبری این حزب انتخاب شد و حزب دموکرات به مبارزاتش علیه حکومت دیکتاتور عراق ادامه داد تا توانست در سال ۱۹۹۱ در پی قیامی مردمی و حمله منظم حزب به پایگاه‌های حکومت عراق، خاک کردستان عراق را آزاد و حکومتی کردی در این منطقه برپا کند. اتحادیه‌ی میهنی نیز، پس از جنگ‌های داخلی که با حزب کردستان به رهبری مسعود بارزانی داشت، به تدریج توانست در میان کردهای عراقی به جایگاهی مناسب دست یابد و به سبب سیاست‌های ضد بعثی اکراد، بستر ساز سوق اتحادیه‌ی میهنی به سوی ایران و به تدریج سبب شکل‌گیری روابط حسنه میان این گروه شد (فرزین راد و دیگران، ۱۳۹۷: ۷).

از طرف دیگر رژیم بعثی عراق به سرکردگی صدام حسین تکریتی با حمایت‌های فنی، اطلاعاتی و نظامی آمریکا و شوروی (سابق) جنگی سنگین و خطرناک علیه نظام نوپای جمهوری اسلامی برافروخت؛ علاوه بر آن، از همان اوان پیروزی انقلاب اسلامی نقشی ویژه در حمایت و هدایت احزاب و حرکت‌های تجزیه طلبانه داشت. رژیم عراق که از شکست ایران در جبهه‌های جنگ عاجز مانده بود برای متلاشی ساختن ایران از داخل به کمک تجزیه طلبان و سایر احزاب ضد انقلاب تمامیت خواه، حجم عظیمی از کمک‌های مالی و نظامی را در اختیار آنان قرار داد. اسناد این حقیقت و خاطرات کسانی که در متن فعالیت‌های چنین احزابی بودند - مانند "غنی بلوریان" فرد دوم حزب دموکرات کردستان در کتابش ناله کوک (برگ سبز) - تا حدودی منتشر شده است و تاریخ، روی همه آن‌ها را در اختیار مردم قرار داد (حیدری، ۱۳۹۱: ۱۴۴).

استقلال خواهی کردهای عراق، سبب رشد و تقویت احساسات ناسیونالیسم قومی در میان اکراد کشورهای منطقه می‌شود، این امر آنان را با موجی از احساسات ناسیونالیسم روبرو، و امنیت سیاسی و اجتماعی آنان را به خطر می‌اندازد. لذا رشد جنبش‌های استقلال خواهی در کشور عراق، تمامیت ارضی و امنیت ملی ایران را نیز به چالش می‌کشد، چیزی که در دوران قبل از شروع جنگ در عراق و ایران شاهد آن بودیم. فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی کردها در قالب دولتی کردنشین، سبب افزایش انتظارات و مطالبات کردهای ایران از دولت مرکزی شد. همچنین جنبش استقلال خواهی کردها در هر دو کشور ایران و عراق سبب استفاده‌ی ابزاری دو کشور از این مساله شده بود.

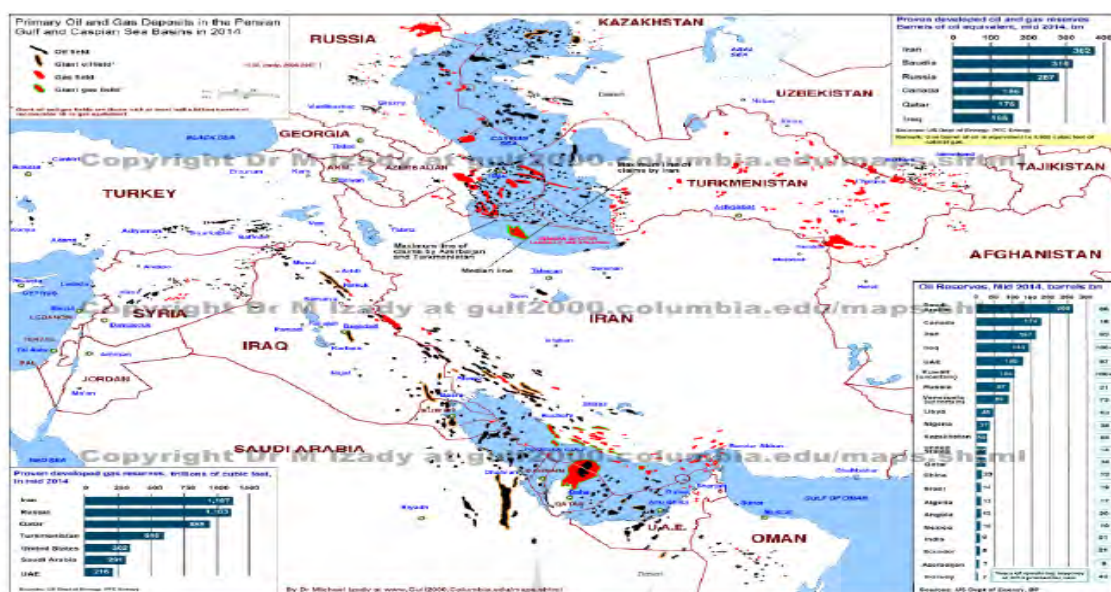
۶۷- استقرار یک منبع مهم بین المللی در نزدیکی مرز که مورد ادعای همسایگان می باشد

در اینجا می توان منظور پیترو هاگت از استقرار یک منبع مهم بین المللی را، دستیابی یک کشور به انرژی دانست که ما در اینجا به نفت و گاز به عنوان منابع مهم بین المللی اشاره خواهیم داشت.

انرژی در زندگی بشر اهمیت فوق العاده ای دارد. ادامه زندگی بدون انرژی بسیار مشکل است. صنعت، کشاورزی و خدمات، گرمایش، سرمایش، تولید غذا، محیط خانوادگی، حمل و نقل، نظامی گری همگی به انرژی وابسته هستند. از همین روست که انرژی در سیاست های ملی و بین المللی نقش تعیین کننده ای پیدا نموده و الگوهای رقابت، همکاری، کشمکش و منازعه، تجاوز، تعامل، همگرایی و واگرایی را در عرصه بین المللی و روابط بین کشورها و دولت ها شکل داده است (جاجرمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۱). بر اساس نظریه مکیندر، شمال ایران جزء ناحیه محوری هارتلند و دیگر قسمت ها جزء هلال داخلی (حاشیه ای) است. بر اساس نظریه اسپایکمن، ایران در محدوده ریملند قرار دارد. به اعتقاد وی این منطقه امکان ترکیب قدرت زمینی و دریایی را بهتر فراهم می کند. از طرف دیگر، بیشترین منبع نیروی انسانی و آسانی ارتباط در این بخش از جهان وجود دارد. بر اساس نظریه برژینسکی آمریکا منطقه خلیج فارس را بعد از اروپا و آمریکا سومین خط دفاعی راهبردی خود می داند. بنابراین کنترل مناطق و نقاط راهبردی، به ویژه تنگه هرمز اهمیت ویژه ای دارد. مهمترین مؤلفه راهبردی و ژئوپلیتیک خلیج فارس ذخایر نفت و گاز است (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳).

با تحولات صورت گرفته در رویکردهای ژئوپلیتیکی و اهمیت یافتن منابع نفت و گاز در معادلات جهانی، ایران در کانون منطقه ای قرار گرفته است که در تولید و انتقال نفت و گاز جهان نقشی حیاتی ایفا می کند. به گونه ای که از نظر کارکرد به سان قلب جهان عمل می کند. زیرا این دو انبار انرژی جهان یعنی خلیج فارس و دریای خزر قرار دارد و موقعیت بی بدیلی در این عرصه در جهان دارد. بر همین مناسبت جفری کمپ متاثر از نظریه ی هارتلند مرکزی مکیندر، از این منطقه به عنوان بیضی انرژی و یا هارتلند انرژی یاد می کند. با توجه به تقاضای روز افزون برای انرژی، ایران به عنوان یکی از مهمترین تولید کنندگان انرژی نقش تعیین کننده ای را بر عهده دارد. از نظر حجم منابع انرژی (سوختهای فسیلی) ایران با ذخایر گازی اثبات شده ۲۶/۵ تریلیارد مترمکعبی (۱۰۰۰ تریلیون فوت مکعب) یا ۱۵/۸ درصد کل ذخیره گاز جهان، دومین دارنده ذخایر گاز جهان پس از روسیه است. از نظر نفت ایران با ۱۵۷ میلیارد بشکه ذخایر شناخته شده نفت ۱۳ درصد از کل ذخایر اثبات شده جهان را پس از ونزوئلا، عربستان سعودی و کانادا، جایگاه دوم در کشورهای عضو اوپک و چهارم جهان را به خود اختصاص دهد (گل کرمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۸-۷).

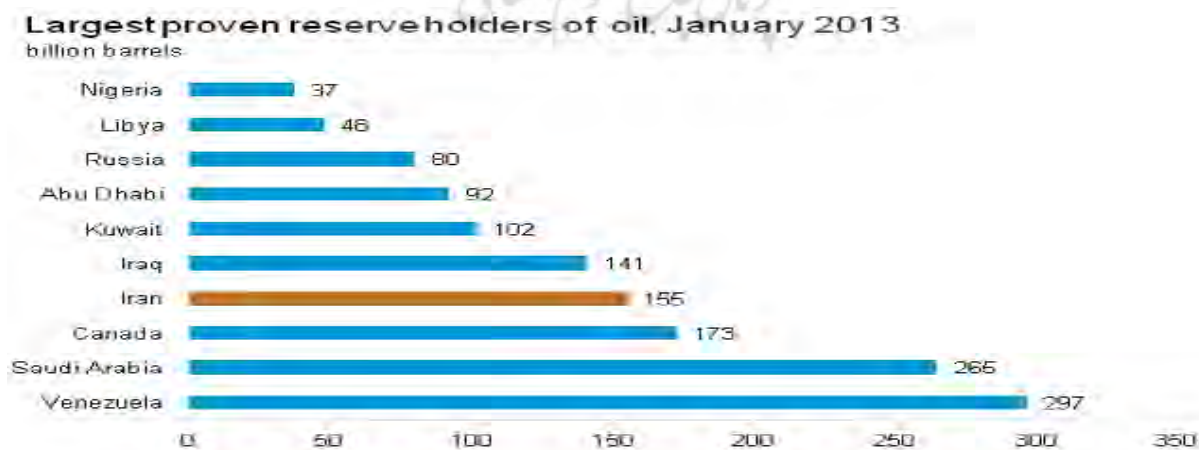
نقشه ۲ : موقعیت ژئو انرژی ایران



منبع: (گل کرمی و دیگران، ۱۳۹۷: ۸).

از دیگر ویژگی‌های منحصر به فرد ایران، همانا دارا بودن مرزی طولانی در خلیج فارس و دریای عمان است که ایران را به آب‌های آزاد متصل می‌کند و به تعبیر اسپایکمن، ایران از موقعیت بحری نیز برخوردار است. داشتن چنین ویژگی مهمی، ایران را نسبت به دیگر کشورهای همسایه و حتی منطقه جنوب غربی آسیا متمایز کرده است (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰). ذخایر نفت عراق تا پایان سال ۲۰۱۴ م بالغ بر ۱۴۱ میلیارد بشکه بوده است که ۱۱ درصد از کل ذخایر جهانی را شامل می‌شود عراق همچنین دارای ۱۱۰ میلیارد فوت مکعب ذخایر گاز است. چشم انداز صادرات نفت عراق تا سال ۲۰۳۰ بالغ بر هشت میلیون بشکه در روز خواهد بود (صادقی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۵). (نمودار ۱).

نمودار ۱: میزان ذخایر اثبات شده نفت و گاز ایران و عراق در مقایسه با سایر کشورهای جهان.

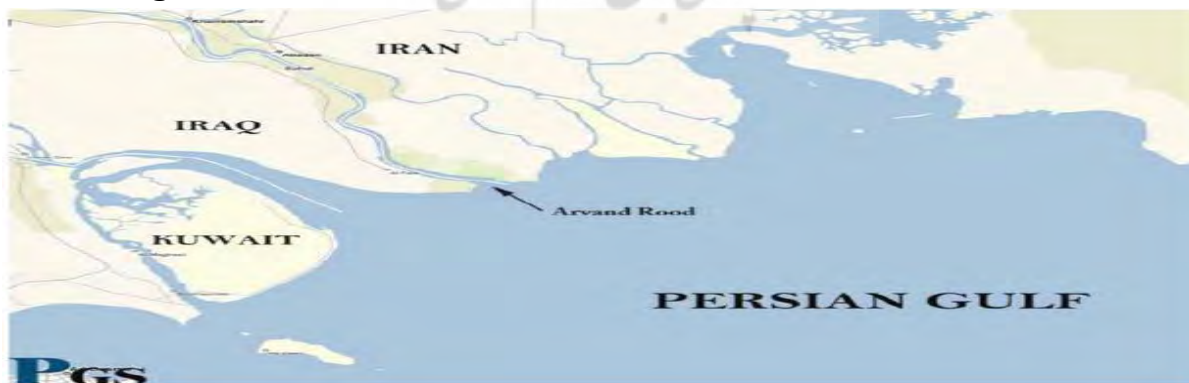


منبع: صادقی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۵)

عراق با داشتن حدود ۱۱ درصد کل ذخایر نفت جهان، یکی از عمده‌ترین صادرکنندگان نفت در دنیا بوده است و از این راه درآمد زیادی به دست می‌آورد، به طوری که حدود ۹۰ درصد درآمدهای ارزی اش وابسته به نفت بوده است. صدام حسین که در آرزوهای بسیار بزرگتر از اندازه خودش و کشورش سیر می‌کرد، به دنبال یافتن و دسترسی به منابع مهم قدرت در دنیا بود تا بتواند اهداف منطقه‌ای خود را عملی سازد. وی مانند هر سیاستمدار دیگر دریافته بود که نفت اهمیتی مضاعف در کسب قدرت دارد. درآمدهای کلان نفتی می‌توانست منجر به تجهیز ارتش آن کشور به آخرین و مدرنترین سلاح‌های جنگی روز شود و دولت در اجرای برنامه‌های کلان توسعه طلبی و فعال نمودن سیاست خارجی اش کمک شایانی نماید و این مهم با افزایش درآمدهای باد آورده حاصل از دسترسی به ذخایر نفتی بیشتر، صورت عینی و عملی به خود بگیرد (رضایی، ۱۳۸۶: ۱۹۷).

از نظر جغرافیایی عراق موقعیت نامطلوبی در خلیج فارس دارد به همین دلیل این کشور در ابتدا تلاش می‌کرد تا با طرح هلال خصیب و ایجاد عراق بزرگ به دریای مدیترانه دسترسی پیدا کند. اما با عدم توفیق در این مورد معطوف به خلیج فارس گردید. عراق برای بهبود بخشیدن به وضعیت جغرافیای خود در خلیج فارس و یا رفع تنگنای ژئوپلیتیک همواره خواستار الحاق کامل کویت یا بخش‌هایی از آن به خاک خود بوده است. به طور کلی طول سواحل این کشور در این منطقه حدود ۵۵ کیلومتر است که از تمام کشورهای حاشیه خلیج فارس کمتر است. همچنین سواحل عراق به دلیل عمق کمشان البته به استثنای خور عبدالله برای ایجاد بندر مناسب نیستند (زرقانی و دیگری، ۱۳۹۵: ۱۶). با این وجود، پس از قدرت‌گیری حزب بعث در سیاست‌های استراتژیکی عراق، "خلیج فارس" از اهمیت بسیار زیادی برخوردار شد و تمرکز سیاست خارجی عراق از موضوع درگیری اعراب و اسرائیل، به ایفای نقش برتر در خلیج فارس، تغییر پیدا کرد. از طرف دیگر، شعارهای تند سیاسی سوسیالیستی حزب بعث و نزدیکی عراق به شوروی و اردوگاه شرق، باعث شد شیخ نشین‌های محافظه کار و غرب‌گرای خلیج فارس احساس تهدید کنند و موجی از بدبینی نسبت به عراق در بین کشورهای این منطقه شکل گرفت. این موضوع نقطه ضعف مهمی برای دولت عراق در مقایسه با ایران بود و در سایه همین اعتماد، توانسته بود موقعیتش را در سه جزیره تنب بزرگ، تنب کوچک، و ابوموسی تثبیت کند (کوهستانی نژاد، ۱۳۹۱: ۱۸).

نقشه شماره ۳: تنگنای جغرافیای سیاسی عراق در دسترسی به آبهای آزاد و انتقال انرژی از مسیر خلیج فارس.



(منبع: صادقی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۶).

نقشه شماره ۴: سواحل محدود و باتلاقی عراق و معضل دسترسی به آبهای خلیج فارس.



(منبع: زرقانی و دیگری، ۱۳۹۵: ۱۶).

لذا با توجه به موقعیت ژئوکانومیک خلیج فارس و تنگنای ژئوپلیتیکی عراق در خلیج فارس و موقعیت ویژه‌ی ایران در این منطقه، یکی دیگر از دلایل صدام با توجه به مدل هاگت، کسب موقعیت برتر در خلیج فارس و دستیابی به این منبع بزرگ انرژی بود.

۷-۷- ادعای یک کشور به خاک کشور همسایه برای حفظ موقعیت برتر و حیاتی مناطق

موقعیت ویژه‌ی استان خوزستان از لحاظ دارا بودن منابع نفتی و بندرهای پر آب و همچنین عرب زبان بودن مردم این استان سبب چشم دوختن صدام به این منطقه و حتی الحاق آن به سرزمین خود می‌شد.

استان "خوزستان" با مساحت ۶۴/۰۷۵ کیلومتر مربع در جنوب غربی ایران و در جوار خلیج فارس و اروندرود قرار دارد. خوزستان از غرب به کشور عراق محدود می‌شود. این استان به لحاظ هویت تاریخی خود همواره مورد ادعای عراق بود. در زمانی که مذهب شیعه در ایران و عراق رواج داشت، فردی به نام "سید محمد مشعشع" در بستر مساعد جامعه شیعی خوزستان ادعای مهدویت کرد و با استفاده از احساسات مردم قیامی تدارک دید. در این اوضاع و احوال "شاهرخ میرزا" فوت کرد. به دنبال این رخداد، "جهانشاه قره قویونلو" ضمن اعلام استقلال قسمت‌های دیگر ایران را تصرف کرد، ولی به دلیل اعتقاد به مذهب شیعه در مورد منطقه جنوب غرب و جنوب شرقی عراق که یاران محمد مشعشع در آن جا نفوذ پیدا کرده بودند، چندان سخت‌گیری نکرد و همین امر موجب گسترش نفوذ مشعشعیان در خوزستان و جنوب شرقی عراق شد و حدود ۷۰ سال به طور مستقل در این منطقه حکومت کردند. مشعشعیان سرانجام در سال ۱۹۱۴ با حمله شاه "اسماعیل صفوی" سرنگون شدند. بر این اساس، عراق با استناد به خلأ قدرت دولت مرکزی ایران و همچنین عرب نژاد بودن آنها ادعای توسعه طلبانه خود درباره تجزیه خوزستان را مطرح کرد. با توجه به این فعل و انفعالات سیاسی در خوزستان زمینه‌ای شد تا عراق طرح ادعاهایشان را درباره این منطقه، به ویژه پس از انقلاب ایران مطرح کند و تلاش‌های گسترده‌ای را برای تجزیه خوزستان انجام دهد (بویه و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲-۱۱). هرگاه دولت عراق اختلافاتش با دولت ایران شدید می‌شد، در

کنار سایر مسائل ادعایی، موضوع عربی بودن استان خوزستان را مطرح می‌کرد و آن را جزء لایتجزای عراق می‌دانست. به طور مثال در ماه مه ۱۹۶۹، روزنامه «الجمهوریه» چاپ بغداد نوشت: «به زودی فرستنده رادیویی جدیدی که منحصرًا برای عربستان (خوزستان) برنامه پخش خواهد کرد، در بصره شروع به کار خواهد کرد» به نوشته این روزنامه در این برنامه، از اعراب عربستان (خوزستان) دعوت خواهد شد که مبارزه برای دفاع از پرچم عربی و پیوسته به میهن مادر عربی خود را ادامه دهند. در این روزنامه اضافه کرده بود که عربستان (خوزستان) در زمان حکومت عثمانی جزء عراق بوده که بعدها ایران آنرا غصب کرده است (پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس، ۱۳۹۵: ۶۵).

خوزستان به عنوان کانون اقتصادی و نفتی، داشتن بنادر (آبادان و خرمشهر) با دسترسی به رود بهمنشیر، ماهشیر، و وجود رودهای کارون، کرخه، دز، هندیجان، جراحی، مارون و اروند، که عمدتاً پرآب‌ترین رودهای ایران هستند و زمین‌های کشاورزی حاصلخیز آن، از اهمیت ژئوپلیتیک بسیار بالایی برخوردار بود. تصرف خوزستان افزون بر حل تنگنای ژئوپلیتیک عراق در دسترسی به خلیج فارس، مخازن و منابع سرشار نفت ایران را در اختیار عراق می‌داد. همین عوامل موجب شده‌اند که این منطقه به واسطه موقعیت ژئوپلیتیک خود، همواره مورد توجه حکومت‌های داخلی، منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای قرار گیرد (زرقانی و دیگری، ۱۳۹۵: ۲۰).

کشور عراق به علت فقدان تاریخ و علت وجودی، به مسأله آرمان مشترک سازی (پان عربیسم)^۱ برای گروه‌های متفاوت مردمی در آن کشور توجه خاصی داشت و به همین دلیل درصدد تقویت تفکرات ناسیونالیستی مبنی بر رهبری منطقه و جهان عرب و یا عمق استراتژیک اعراب در منطقه بود. برای رفع این مشکل، عراق درصدد بود تا با اشغال کویت و خوزستان، ضمن رفع مشکل ژئوپلیتیک خود، بر حدود نیمی از ذخایر نفتی خاورمیانه مسلط شود (شهبازی، ۱۳۸۳: ۱۴-۱۳). تصرف خوزستان برای عراق از لحاظ ژئوپلیتیک به مرزهای عراق عمق لازم را می‌بخشید و شهرهای مرزی این کشور که شهرهای عمده عراق را تشکیل می‌دهد، از امنیت لازم برخوردار می‌شد. جمعیت عرب زبان خوزستان یکی از عوامل تحریک عراق بود. عراق از سال‌ها پیش سعی در تشکیل گروه‌های عرب با تأکید بر هویت عربی در این منطقه داشت و در همین راستا جبهه آزادی بخش عربستان را تشکیل داده بود. با تحقق این هدف، اهداف سیاسی عراق در رهبری جهان عرب و پرکردن خلأ قدرت پس از رژیم شاه نیز تأمین می‌شد (رحیمی، ۱۳۸۵: ۳۴). یکی از انگیزه‌های تجاوز نظامی گسترده رژیم بعثی عراق به ایران اسلامی، جداکردن خوزستان با وجود ذخایر فراوان نفتی از ایران بود. اشغال این منطقه برای عراق چندین فایده را در برداشت:

۱. عراق با اشغال خوزستان می‌توانست مرز دریایی خود را به میزان زیادی گسترش دهد و نفوذ خود را به راحتی در خلیج فارس وسعت بخشد.
۲. منطقه حاصلخیز خوزستان، دارای معادن عظیم نفتی بود و اشغال چنین سرزمینی باعث نفوذ شدید عراق در بازار نفت می‌شد ضمن اینکه می‌توانست زمینه سرنوشتی نظام نوپای انقلابی ایران را به همراه داشته باشد (حکمتیان، ۱۳۹۲: ۶).
۳. حاکمیت انحصاری بر اروند رود.

¹ Pan Arabism

۴. تسلط بر منابع مهم آبی همچون "کارون" (بویه و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۹).

عراق می‌کوشید با القای آموزه‌های پان عربیسم و جذب نواحی عرب نشین موجبات جدایی خوزستان را فراهم کند؛ چنین اقداماتی موجب می‌شد تا زمامداران عراق در اشغال خوزستان برای همراهی و کمک اقلیت عرب استان اهمیت ویژه‌ای قائل شوند. به عقیده آنان این همراهی سبب می‌شد تا اشغال خوزستان رنگ آزاد سازی به خود بگیرد از این رو در گام اول عراق سعی در تحریف تاریخ خوزستان می‌کرد - که در این خصوص به چاپ نقشه‌هایی از کشور خود اقدام کرد که خوزستان به نام عربستان جزء آن بود (زرقانی و دیگری، ۱۳۹۵: ۲۰).

نقشه شماره ۵: استان خوزستان (با نام عربستان) در نقشه های چاپ عراق .



(منبع: زرقانی و دیگری، ۱۳۹۵: ۲۰).

نتیجه گیری

در نظریات ژئوپلیتیک، نقش عوامل محیط جغرافیایی بر روابط کشورها در نظر گرفته می‌شود. بدون تردید یکی از متغیرهای مؤثر در شکل‌گیری خط‌مشی سیاست خارجی و همچنین مباحث استراتژیک و سیاست دفاعی هر کشور، محیط منطقه‌ای و ابعاد مختلف آن است. امروزه نقش هر کشور در سیاست جهانی تحت تأثیر عوامل ژئوپلیتیکی آن است. به گونه‌ای که از دیدگاه جغرافیدانان سیاسی، قدرت هر کشور به شدت از ژئوپلیتیک و موقعیت جغرافیایی آن تأثیر می‌پذیرد. اگر صفحات تاریخ دو هزار پانصد ساله ایران ورق زده شود، سرچشمه بسیاری از گرفتاری‌ها، جنگ‌ها و حتی تحمیلات سیاسی وارد شده به این کشور مربوط به موقعیت جغرافیایی آن بوده که در بسیاری از مواقع به علت اهمیت ژئوپلیتیک آن مورد تجاوز ممالک همسایه واقع می‌شده است. ژئوپلیتیک هر کشور از جمله عوامل مهم در نحوه حضور آن در فضای بین‌المللی و ارتباط با دیگر کشورها به شمار می‌آید. جغرافیای کشورها پیش از آنکه متأثر از تصمیم‌گیری‌ها و اعمال نظرهای اعضای کنونی هر

جامعه‌ای باشد، ناشی از شرایط تاریخی، سیاسی و فرهنگی خاصی است که در دوره زمانی گسترده‌ای بر سرنوشت آن حاکم بوده است. وجود منابع نفتی در عراق، مشکلات این کشور در دسترسی به آب‌های آزاد "دسترسی این کشور از طریق مرزهای کشورهای همسایه، به ویژه ایران و کویت میسر است" و وجود مرزهای طبیعی با همسایگان و اختلاف بر سر نحوه استفاده از آنها "مهمترین آنها را می‌توان ارون رود در مرز ایران و عراق دانست"، وجود اقوام و مذاهب مختلف در این کشور که زمینه مناسبی برای پدید آمدن واگرایی‌ها در داخل کشور است و شاخص‌های متعدد دیگر را می‌توان به عنوان ویژگی‌های ژئوپلیتیکی و عوامل بروز چالش میان عراق و همسایگانش "در اینجا ایران" بر شمرد. به هر حال تاریخ معاصر عراق به خوبی نشانگر آن است که شرایط ویژه ژئوپلیتیکی عراق، فارغ از نوع حکومتی که در این کشور بر سرکار بیاید، همواره از عوامل تعیین کننده سیاست خارجی این کشور بوده است و بررسی دقیق این ویژگی‌ها می‌تواند ما را در تحلیل آن یاری رساند. عوامل جغرافیایی نقش غیر قابل انکاری در خصوص مسائل امنیتی ایران و عراق دارند. در این مقاله که به بررسی و تطبیق دوازده مورد از عوامل تنش زای مدل هاگت با منازعه ایران و عراق پرداخته شد، و آن موارد نیز به عنوان منابع جغرافیایی تنش در بین دو کشور همسایه معرفی شدند، هفت مورد از آنها کاملاً در منازعه ایران و عراق دیده می‌شود. از این رو باید گفت بسیاری از ناامنی‌ها و مناقشاتی که از زمان‌های دور بین دو کشور ایران و عراق وجود دارد، در عوامل جغرافیایی ریشه دارند و بنابراین تا هنگامی که چاره‌ای برای از بین بردن چالش‌های حاصل از این ویژگی‌ها یافت نشود، زمینه برای بروز تشنجات دیگری در روابط خارجی عراق با کشورهای همسایه و در زمینه بروز بی‌ثباتی و عدم امنیت در منطقه خلیج فارس وجود دارد. البته این نکته را باید گفت که عوامل جغرافیایی به صورت "تام" عامل ایجاد بسیاری از ناامنی‌ها در روابط ایران و عراق نیستند، اما وقتی با شرایط دیگر همراه می‌شوند، می‌توانند تنش را باشند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی
کتابنامه

- احمدی، سید عباس، حافظ نیا، محمد رضا، بدیعی ازندهای، مرجان، حیدری موصولو، طهمورث (۱۳۹۷)، "تبیین نظری بسترهای شکل‌گیری رقابت‌های ژئوپلیتیکی"، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۵۰، ش ۱، بهار، صص ۲۱۶-۱۹۹.
- اکبری، حسین، (۱۳۹۱)، عراق، همسایگان و آینده، چاپ اول، تهران.
- ای فولر، گراهام، فرانکه، رند رحیم، (۱۳۸۳)، "شیعیان عراق: شیعه‌شناسی، سال دوم، ش ۶، تابستان، صص ۱۵۵-۱۸۹.
- بویه، چمران، کاویانی راد، مراد، جنیدی، رضا، (۱۳۹۰)، "نقش تنگنای ژئوپلیتیکی عراق در راهبرد جنگ طلبانه عراق"، مجله سیاست دفاعی، سال بیستم، ش ۷۷، زمستان، صص ۱۹۴-۱۶۱.
- باقری، حسین، (۱۳۹۲)، "بازیگران داخلی در ساختار سیاسی عراق نوین و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه آفاق امنیت، سال پنجم، ش ۱۹، تابستان، صص ۱۶۶-۱۳۵.
- پارسا دوست، منوچهر، (۱۳۸۵)، ما و عراق از گذشته تا امروز. چاپ اول، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.

پارسا دوست، منوچهر. (۱۳۶۴). روابط تاریخی، حقوقی ایران، عثمانی و عراق (۱۹۸۰-۱۵۱۴). چاپ اول. تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.

پورسعید، فرزاد، (۱۳۸۹)، "برآورد استراتژیک عراق آینده"، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، ش ۱، بهار، صص ۲۱۱-۱۷۷.

جاجرمی، کاظم، پیشگاهی فرد، زهرا، مهکویی، حجت، (۱۳۹۲)، "ارزیابی تهدیدات زیست محیطی در امنیت ملی ایران"، فصلنامه راهبرد، سال ۲۲، ش ۶۷، تابستان، صص ۲۳۰-۱۹۳.

جعفری ولدانی، اصغر. (۱۳۷۰). بررسی تاریخی اختلافات مرزی ایران و عراق. چاپ دوم. تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل.

جعفری ولدانی، اصغر، (۱۳۸۹)، "نقش تنگنای ژئوپلیتیکی عراق در اشغال کویت"، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ششم، ش ۳، پاییز، صص ۶۹ - ۴۵.

حیدری، اصغر، (۱۳۹۱)، "انقلاب اسلامی و گروه های تجزیه طلبان در ایران « حزب دموکرات کردستان »"، مقالات پانزده خرداد، دوره سوم، سال نهم، ش ۳۱، بهار، صص ۲۰۹-۱۳۵.

خلیلی، محسن، صیادی، هادی، حیدری، جهانگیر، (۱۳۹۱)، "پیوند کد و ژنوم ژئوپلیتیک در سیاست خارجی (نمونه پژوهشی: ترکیه و ایران)"، فصلنامه مطالعه اوراسیای مرکزی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال پنجم، ش ۱۱، پاییز و زمستان، صص ۵۶ - ۳۹.

خلیلی، محسن، حیدری، جهانگیر، صیادی، هادی، اصغری ثانی، حسین، (۱۳۹۱)، "مدل سازی ژنوم های ژئوپلیتیک تأثیرگذار بر سیاست خارجی ایران و عراق"، فصلنامه مطالعات جهان اسلام، سال اول، ش ۳، پاییز، صص ۴۴-۱۷.

خلیلی، محسن، حیدری، جهانگیر، صیادی، هادی، (۱۳۹۲)، "پیوند ژنگان ژئوپلیتیک سیاست خارجی نمونه پژوهشی: پاکستان و ایران"، فصلنامه مطالعات شبه قاره، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال پنجم، ش ۱۷، زمستان، صص ۱۲۶-۹۵.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، (۱۳۷۰)، مجموعه اسنادلانه جاسوسی، کتاب ۷۷ عراق، تهران. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال الدین، (۱۳۸۲)، "منطق ژئوپلیتیک در سیاست خارجی عراق: علل و پیامدها"، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال دهم، شماره ۲، تابستان، صص ۶۸ - ۴۱.

دشتی، تقی، باطنی، ایراهیم، (۱۳۸۹)، "مفهوم شناسی اقلیت (ارائه ی الگویی روشمند برای تعریف و تشخیص اقلیت)"، حقوق اسلامی، سال هفتم، ش ۲۵، تابستان، صص ۲۰۱-۱۷۵.

ذکی، یاشار، افضلی، رسول، پاشالو، احد، (۱۳۹۳)، "تنگنای ژئوپلیتیکی جمهوری آذربایجان در قالب مدل پیترهاگت"، فصلنامه بین المللی ژئوپلیتیک، سال دهم، ش ۴، ش پیاپی ۳۶، زمستان.

رحیمی (روشن)، حسن، (۱۳۸۵)، از سقوط گنجه تا فتح خرمشهر (بررسی تطبیقی رهبری سیاسی در جنگ های معاصر ایران)، چاپ اول، تهران: انتشارات صریر.

رستمی، فرزاد، سفیدی، سیامک، (۱۳۹۵)، "بررسی علل ظهور و استمرار معمای امنیت در عراق عصر پس از صدام"، فصلنامه ی علمی - پژوهشی پژوهش های سیاسی جهان اسلام، سال ششم، ش ۱، بهار، صص ۸۳-۱۱.

رضا زاده، اکبر، بایندور، ولی الله، (۱۳۹۶)، "قومیت ها و تاثیر آنها بر امنیت ملی"، فصلنامه ی علمی - تخصصی دانش انتظامی لرستان، سال پنجم، ش ۳، پاییز. صص ۱۶۶-۱۴۲.

رضایی، علی اکبر، (۱۳۸۶)، تفاوت های اساسی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران با جنگ های معاصر دنیا، دفاع مقدس و قدرت های فرامنطقه ای و بین الملل، تهیه و تنظیم قاسم فرج اللهی، آموزش و سنجش، تهران.

رضوانی، محمد رضا، (۱۳۸۷)، خلیج فارس و قدرت های فرامنطقه ای، با تأکید بر جایگاه اقتصادی، سیاسی، جغرافیایی و تاریخی خلیج فارس و رؤیا پردازی های استکبار برای تحریف و خلق اسامی معجول. مجموعه مقالات همایش ملی جایگاه خلیج فارس و

تحولات استراتژیک جهان، گردآورندگان غلام حسین واعظی و حیدر لطفی، چاپ اول، تهران: انتشارات مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.

زرقانی، سید هادی، لطفی، امین، (۱۳۹۰)، "نقش رودهای مرزی در همکاری و همگرایی منطقه ای (نمونه موردی: هریرود و سد دوستی)"، **جغرافیا و توسعه ناحیه ای**، ش ۱۶، بهار و تابستان، صص ۸۲-۵۷.

شهبازی، علی، (۱۳۸۳)، "ژئوپلیتیک عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران"، **فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی**، ش ۱۵ و ۱۶، صص ۲۳-۱.

صادقی، سید شمس الدین، مارابی، مهری، اکسا، نرگس، (۱۳۹۵)، "ایران - عراق چشم اندازی بر راهبردی شدن مناسبات دو جانبه"، **فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل**، دوره اول، شماره ۲۲، صص ۱۶۲-۱۲۹.

علایی، حسین، (۱۳۹۱)، "بررسی نقش عوامل مؤثر بر آغاز جنگ تحمیلی"، **فصلنامه تخصصی مطالعات دفاع مقدس**. سال یازدهم. ش چهل و یکم تابستان. صص ۳۶-۵.

علوی پور، سید محسن، (۱۳۸۸)، "ژئوپلیتیک عراق و امنیت در منطقه خلیج فارس"، **فصلنامه مطالعات خاورمیانه**، سال شانزدهم، ش ۲، تابستان، صص ۱۲۲-۱۰۵.

فرزین راد، رویا، فروزان، یونس، عالیشاهی، عبدالرضا، مجیدی نژاد، سید علی، (۱۳۹۸)، "بررسی مسئله ی همه پرسی استقلال کردستان عراق و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری"، **فصلنامه علمی مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی**، دوره ۹۰، ش ۳۱، تابستان، صص ۲۱۰-۱۹۵.

قربانی، قدرت الله، (۱۳۸۲)، "تأملی فلسفی در علل آغاز جنگ ایران و عراق"، **فصلنامه تخصصی نگین ایران مطالعات دفاع مقدس**، مقاله ی ۴، دوره ۲، ش ۵، صص ۲۸-۱۶.

قربانی نژاد، ربیاز، (۱۳۹۷)، "تبیین الگوی عوامل ژئوپلیتیکی تنش در روابط کشورها"، **فصلنامه پژوهش های جغرافیای سیاسی**. سال سوم، ش ۱، بهار، صص ۱۵۷-۱۳۳.

قربانی نژاد، ربیاز، احمدی پور، زهرا، قوام، عبدالعلی، (۱۳۹۳)، "بررسی مفهوم منازعه در نظریه های روابط بین الملل و ژئوپلیتیک"، **فصلنامه راهبرد**، سال ۲۳، ش ۷۰، بهار، صص ۲۹۱-۲۶۵.

قربانی نژاد، ربیاز، شهریور، هومان، پارسایی، اسماعیل، (۱۳۹۷)، "ایران و عراق: تحلیل منابع جغرافیایی تنش در شمال غرب خلیج فارس"، **مجموعه مقالات نهمین همایش ملی خلیج فارس**، صص ۲۲۹-۲۰۹.

کاویانی راد، مراد، (۱۳۸۹)، "جایگاه مفهوم فضای حیاتی در استراتژی ژئوپلیتیک عراق عصر صدام"، **نگین ایران فصلنامه تخصصی مطالعات دفاع مقدس**، سال نهم، ش ۳۲، بهار، صص ۸۴-۷۱.

کوهستانی نژاد، مسعود، (۱۳۹۱)، "بررسی تحولات داخلی عراق در آستانه جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران". **پژوهشنامه دفاع مقدس**، سال اول، ش ۳، صص ۱۵۲-۱۲۹.

گرفتس، مارتین. (۱۳۹۰). **دانشنامه روابط بین الملل و سیاست جهان**، ترجمه علیرضا طیب. چاپ دوم. تهران: نشر نی.

گل کرمی، عابد، کریمی پور، یدالله، متقی، افشین، ربیعی، حسین، (۱۳۹۷)، "تبیین ژئوپلیتیک سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر قابلیت های ژئواکونومیک"، **نشریه ی تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی**، سال هجدهم، شماره ۴۹، تابستان، صص ۵۷-۳۷.

لوی، جک اس، فروئیچ، مایک، (۱۳۹۰)، "علل وقوع جنگ ایران و عراق"، **نگین ایران فصلنامه تخصصی مطالعات دفاع مقدس**، سال دهم، ش ۳۷، تابستان، صص ۱۳۲-۱۱۷.

محسنی، بهرام، رحیمی پور، مهدی، (۱۳۹۱)، "تاثیر هیدروپلیتیک اروند رود بر مناسبات آینده ایران و عراق"، **فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست**، سال اول، شماره سوم، زمستان، صص ۱۸۰-۱۵۷.

محمدی، منوچهر، (۱۳۷۲)، "علل و عوامل بروز جنگ تحمیلی"، فصلنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۲۰، صص ۲۷۱ - ۲۴۹.

مشایخ فریدنی، آذرمیدخت (۱۳۶۹). **مسائل مرزی ایران و عراق**. چاپ اول. تهران: انتشارات امیر کبیر دفتر حقوقی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران.

مصلی نژاد، عباس. (۱۳۹۱). "مدیریت بحران در منازعات منطقه‌ای؛ مطالعه موردی جنگ تحمیلی". **مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران**. سال پنجم. شماره اول. زمستان.

نیرومند فرد، فریبا، شهیدی، علی، (۱۳۹۷)، "ایران و عراق و بهینه مصرف آبهای مشترک"، فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست جهانی، دوره هشتم، شماره دوم، تابستان، صص ۱۶۰ - ۲۳۳.

Coser, Lewis A (1956). *The Functions of social Conflict*. New York: The Free Press.

Haggett, Peter (1983). *Geography: A Modern Syntheses*. New York: Publisher: Harpercollins College Div.

Haggett, Peter (2001). *Geography: A Global Synthesis*. Prentice Hall.

O Tuathail, Gearroid, Agnew, John. (1992). *Geopolitics and discourse Practical geopolitical reasoning in American foreign policy*. PCLITiCAGL EOGRAPHYV. ol. 11. No. 2. 192.

Sprout, H. and Sprout, M. (1960). *Geography and international politrcs in an era of revolutionary change*. *journal of Conflict Kesolution* 4. 145-161.

پارساپور، روزبه، (۱۳۸۹)، نقش ایران و عراق در تأمین امنیت خلیج فارس. ماهنامه خلیج فارس و امنیت، کانون پژوهش های دریای پارس قابل دسترسی در سایت www.persiangulfstudies.com

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی